

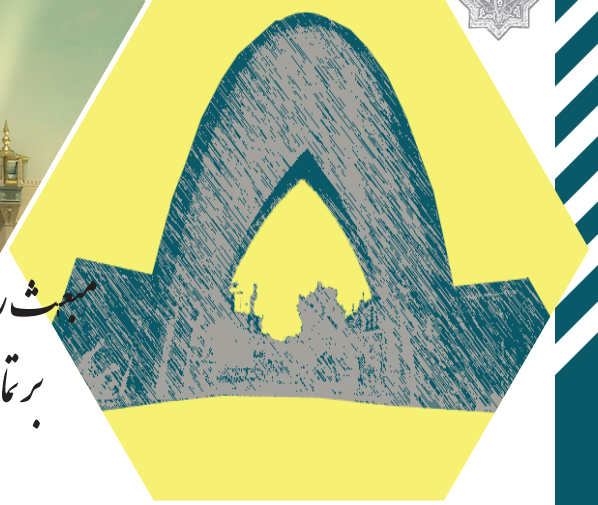
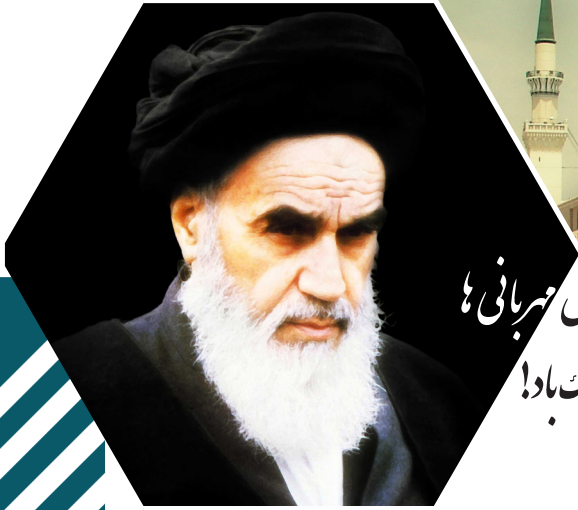


سجید  
بسیج اساتید

نشریه بسیج اساتید  
دانشگاه علم و صنعت ایران



بِسْمِ رَسُولِ الْعَظِيمِ (ص)، رَسُولِ مَهْرَبَانِي مَا  
بر تمامی دانشگامیان کرامی مبارک باد!



در این شماره می خوانید:

امام (ره) و حیات باطنی انسان  
وضعیت هسته ای کشور قبل و بعد از

مذاکرات  
**سقوط رتبه علمای ایران**  
در سکوت مسئولان!

نسخه امام رضا (ع)

برای تشخیص **حق در فتنه**  
مصاحبه بآیت... سید هاشم حمیدی

**سخنان حضرت آقا**  
در مورد اقدام به کودتای

**فتنه گران در انتخابات ۸۸**

سالگرد آزادی شهر مقاومت، خرمشهر،

**عید مبعث: یکم از چهار روز بزرگ**

**تاریخ بشر**

یزید آخر الزمان (کاوش در شباهت های یزید و سفیانی)

... و

از زخم شائسته دارند هنوز  
در مسجد خون آلوده دارند هنوز  
آنان همه از تبار یاران بودند  
رفتند ولی ادامه دارند هنوز

**بشهر آزاد کرد**



# انتظار فرج انبیا مخبر ارادگشتم

## امام (ره) و حیات باطنی انسان

(به مناسبت سالگرد رحلت جانسوز

حضرت امام خمینه رضوان الله علیه)



انسان این باشد، تاریخ نیز منحصر خواهد شد در تاریخ تمدن و آن هم از این نظر گاه خاص. آنچه که در این روزگار به نام «تاریخ تمدن» خوانده میشود یک صورت وهمی و بدون واقعیت است که بشر جدید آن را بر گذشته خویش نیز اطلاق بخشیده است و لذا از انبیا و اسباط ایشان در آن نشانی نیست.

«تاریخ سلاطین» نیز تاریخ قدرت طلبی ها و تعارض هایی است که بر خود بینی و خود پرستی و استکبار انسان ها بنا گشته است و این تاریخ نیز از آنجا که متعرض حیات باطنی انسان ها نمی گردد نمی تواند موجودیت انبیا و او صبا و اسباط ایشان و معماران خانه حقیقت را معنا کند و بنابراین، هرگز نباید توقع داشت که در تاریخ تمدن و یا تاریخ های مدون رسمی شان و قدر بزرگانی چون حضرت امام (ره) که

حیات انسان در این سیاره کوچک که سفینه ای آسمانی بر پهنه اقیانوس بیکران فضای اثیری است، تاریخ دیگری نیز دارد که «تاریخ باطنی» اوست؛ «تاریخ تمدن» تاریخ حیات ظاهری انسان و «تاریخ انبیا» تاریخ حیات باطنی او.

انسان ظاهری دارد و باطنی، جسمی دارد و روحی..... و آنان که روح را انکار دارند عجب نیست اگر تاریخ زندگی بشر را منحصر به تاریخ تمدن بنگارند و تاریخ تمدن را نیز از نظرگاه «تکامل تاریخی ابزار» بنگرد..... و به تبع آن، امروز عنوان «بزرگان تاریخ» فقط به کسانی اطلاق شود که راه تصرف مسرفانه و بی محابای انسان را در طبیعت همواره داشته اند.

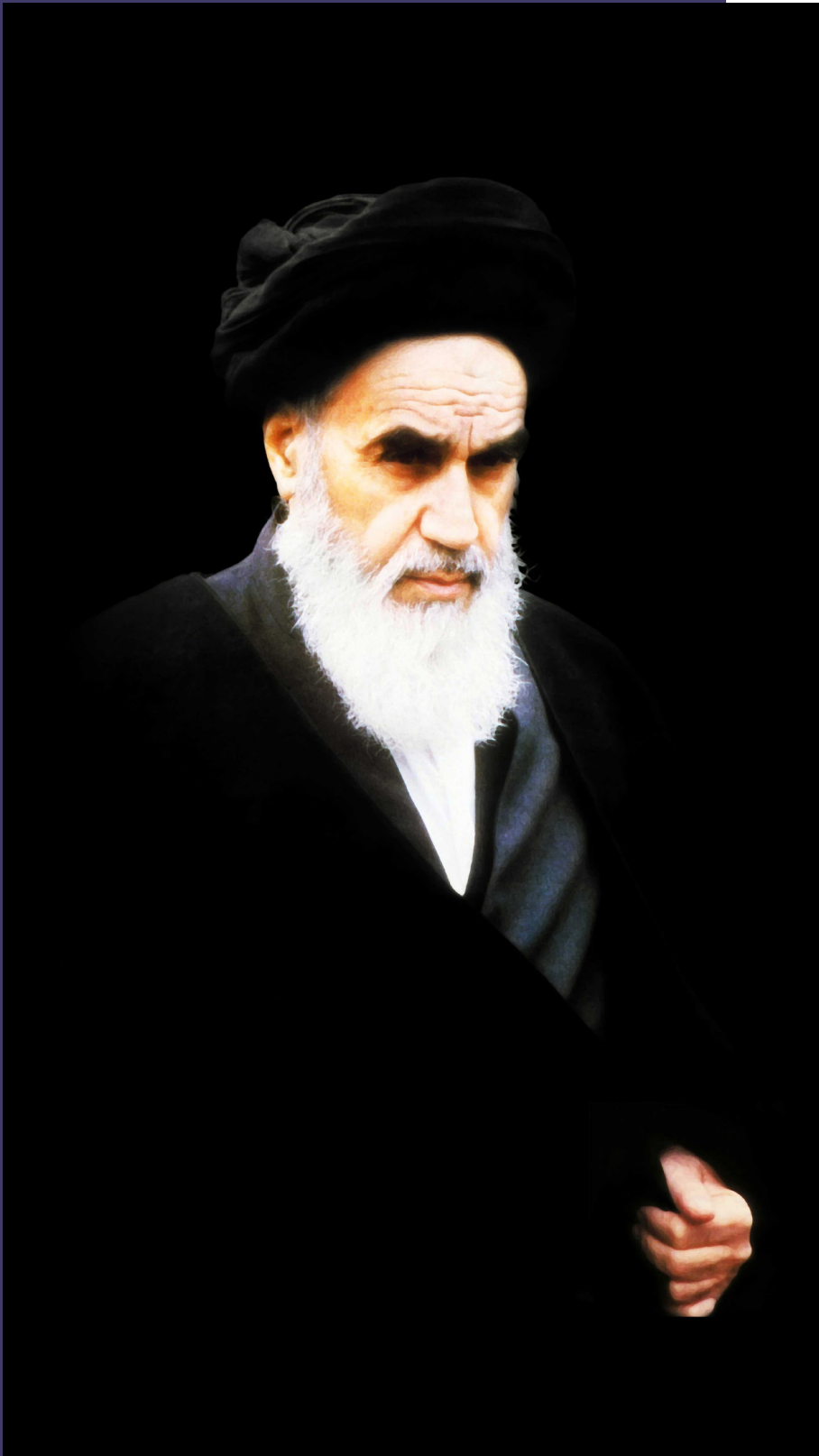
آنان انسان را معده ای بزرگ می بینند که در طول تاریخ ابزارهای مناسبی برای سیر و پروردن و تمتع هر چه بیشتر از لذات حیوانی یافته است. وقتی تعریف

در سالگرد آن واقعه عظیمی که در چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ رخ داد یک بار دیگر باید به همان حقیقتی توجه یافت که این واقعه را معنا بخشیده است.

حضرت امام امت (ره) انسانی از زمره دیگر انسان ها نبود و در میان بزرگان تاریخ نیز افرادی چون او بسیار نیستند؛ اما تاریخ، آن سان که امروزی ها نگاشته اند، نمی تواند قدر بزرگ مردانی چون حضرت امام (ره) را دریابد.

«تاریخ تمدن»، آن سان که غربی ها نگاشته اند، «تاریخ غلبه انسان ها بر طبیعت است در جهت تمتعی مسرفانه». آنان، به مقتضای همین روح عصبانگری که در بشر امروز دمیده شده است، انگاشته اند که پیشینیان نیز غایتی جز این نداشته اند و لذا از حقیقت وجود انسان بر کره خاک غفلت کرده اند.

“



«معماران خانه حقیقت وجود بشر» بوده اند شناخته گردد.

شیخ الانبیا حضرت ابراهیم نیز معمار خانه حقیقت در کره ارض بوده است و تا دنیا، دنیاست و انسان بر این سیاره خاکی باقی است، این خانه حصن حصینی است که بشر را از اغوای شیاطین و هبوط به اسفل درکات بهیمیت دور می دارد، اما کجا در تاریخ تمدن نامی و یادی از او می توان یافت؟ تاریخ حیات باطنی انسان مکه را «ام القرا» و مرکز زمین می داند. اما تاریخ تمدن اگر هم نیم نگاهی بدین واقعه عظیم از آن قبیله «جرهم» در جست جوی آب، زمزم را یافتند و در اطراف آن سکنا گزیدند و اولین اجتماع مدنی را بنیان نهادند و... چرا این ظاهرینی بر بشر امروز غلبه یافته است و او را تا بدین همه به سراب اندیشی و تنگ نظری کشانده؟ هر چه هست انسان امروز اگر چه هنوز مبدا شمارش روزها و سالها را بر هجرت این رسول و تولد آن دیگری نهاده است، اما دیگر قدرت انبیا را نمی شناسد و تا این جهل باقی است قدر حضرت امام را نیز نخواهد یافت، چرا که او نیز از احیاگران حیات باطنی انسان و بنیانگذاران خانه حقیقت است و انقلاب اسلامی ام القری این عصر است.

حضرت امام (ره) اگر چه ظاهر و باطن را شکست و با انقلاب اسلامی خانه حقیقتی را بنیان نهاد که کعبه دل های ناس است، ام القری است، بیت عتیق است و اسوه قیام ناس که نه شرقی است و نه غربی .

و بالاخره، اگر چه تاریخ تمدن و تاریخ سلاطین معماران خانه حقیقت و احیاگران حیات باطنی بشر را فراموش کرده اند، اما «تاریخ حیات باطنی انسان» از ظاهر غفلت نکرده است. ظاهر جلوه باطن است و حجاب او، و اهل نظر می دانند که اگر روزی حتی قرار شود که تاریخ حقیقی حیات ظاهری بشر را نیز بنویسند باید آن را بر اساس تحولات باطنی انسان در طول تاریخ، یعنی تاریخ دین و یا تاریخ انبیا معنا کنند. باید تاریخ جهان را از نو نگاشت، تا انسان بداند که حقیقتا بر او چه گذشته است.

منبع: کتاب آغازی بر یک پایان صفحه ی ۱۳، سید مرتضی آوینی



## وضعیت هسته ای کشور قبل و بعد از مذاکرات



### ۱- نطنز

بیانیه لوزان	توافق ژنو	دولت سابق
۱. تنها مرکز غنی سازی خواهد بود و تا ۱۵ سال ایجاد مرکز جدید غنی سازی ممنوع است	۱. مرکز غنی سازی بوده است و ایجاد مرکز غنی سازی جدید به مدت ۶ ماه ممنوع بوده است	۱. مرکز غنی سازی بوده است و تصمیم بر ایجاد ۱۰ مرکز دیگر بوده است
۲. ۵۰۶۰ سانتریفیوژ موجود و بقیه با زیر ساخت های آن جمع آوری خواهد شد	۲. ۱۵۴۲۰ سانتریفیوژ نسل یک و ۱۰۰۸ سانتریفیوژ نسل دوم و نیز ۳۲۸ سانتریفیوژ نسل یک نصب و فرآیند نصب متوقف شد	۲. ۱۵۴۲۰ سانتریفیوژ نسل یک و ۱۰۰۸ سانتریفیوژ نسل دوم در کارخانه صنعتی و ۳۲۸ سانتریفیوژ نسل یک در کارخانه نیمه صنعتی نصب و فرآیند نصب ادامه داشت
۳. ۵۰۶۰ سانتریفیوژ به مدت ۱۰ سال غنی سازی کرده ولی هیچ خروجی نداشته و مواد غنی شده باید اکسید شود	۳. ۸ هزار و خورده ای سانتریفیوژ غنی سازی کرده ولی هیچ خروجی نداشته و مواد غنی شده باید اکسید گردد	۳. تقریباً ۹ هزار سانتریفیوژ غنی سازی کرده و مواد غنی سازی شده ذخیره میگشت
۴. غنی سازی صرفاً با نسل یک بوده و غنی سازی با نسل دوم ممنوع خواهد بود	۴. غنی سازی صرفاً با نسل یک بوده و غنی سازی با نسل دوم ممنوع میباشد	۴. غنی سازی با نسل یک بوده و قرار بوده است که با نسل دوم هم انجام شود
۵. غنی سازی بیش از ۳,۶۷ درصد تا ۱۵ سال ممنوع است	۵. غنی سازی بیش از ۵ درصد ممنوع خواهد بود	۵. غنی سازی ۳,۵ تا ۵ درصد و نیز ۲۰ درصد انجام میشد



## ۲- فردو

دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
۱. مرکز غنی سازی به همراه خیره سازی مواد غنی شده بوده است	۱. مرکز غنی سازی اما بدون خروجی و ذخیره سازی خواهد بود	۱. مرکز غنی سازی نبوده و به یک مرکز هسته ای، فیزیکی و فن آوری تبدیل میشود
۲. ۲۷۱۰ سانتریفیوژ نصب شده و در حال ادامه نصب تا ظرفیت کامل ۲۹۷۶ بوده است	۲. ۲۷۱۰ سانتریفیوژ نصب شده و نصب بقیه ممنوع خواهد بود	۲. ۱۰۴۴ سانتریفیوژ باقی و بقیه با زیر ساختهای آنها جمع آوری میشوند. دو آبشار از آنها در حال چرخش خواهند بود
۳. ۴ آبشار غنی سازی میکرده و تصمیم بر افزایش گازدهی بیشتر جهت غنی سازی بیشتر بوده است	۳. ۴ آبشار غنی سازی میکرده و گازدهی به بقیه ممنوع بوده است	۳. غنی سازی بصورت کامل ممنوع خواهد بود
۴. غنی سازی ۵ درصد و ۲۰ درصد انجام میشده است	۴. غنی سازی بیش از ۵ درصد ممنوع شده است	۴. غنی سازی به صورت کامل ممنوع است
۵. ذخیره مواد غنی شده ۵ و ۲۰ درصد انجام میشده است	۵. ذخیره جدید ۵ درصد ممنوع و مواد ۲۰ درصد نابود شود	۵. غنی سازی به صورت کامل ممنوع و ذخیره و بردن مواد شکافت پذیر ممنوع است

## ۳- اراک

دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
۱. راکتور آب سنگین اراک در حال تکمیل و راه اندازی بود	۱. تکمیل و راه اندازی آب سنگین اراک ممنوع شده است	۱. قلب راکتور اراک نابود یا به خارج منتقل میشود
۲. راکتور ۴ فایده داشته است: پلوتونیوم، برق، آموزش و رادیوایزوتوپ	۲. تکمیل و راه اندازی ممنوع	۲. قلب راکتور نابود و بجای آن با همکاری های بین المللی بازطراحی و بازسازی شده تا پلوتونیوم در سطح نظامی ندهد
۳. در صورت راه اندازی سوخت مصرف شده در ایران باقی خواهد بود	۳. تکمیل و راه اندازی ممنوع و سوخت مصرف شده نخواهد داشت	۳. در صورت راه اندازی راکتور آب سنگین جدید، سوخت مصرف شده نباید در ایران بماند و باید صادر شود
۴. تصمیم بر بازفرآوری بوده است	۴. بازفرآوری ممنوع خواهد بود	۴. بازفرآوری ممنوع خواهد بود
۵. کارخانه تولید آب سنگین با ظرفیت تولید سالانه ۱۶ تن فعال بوده است	۵. اشاره ای به آن نشده است	۵. آب سنگین تولید شده صادر و ادامه تولید مورد اختلاف است

## ۴- تحقیق و توسعه

دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
تحقیق و توسعه بصورت کامل و در حد توان ادامه داشت. تحقیق و توسعه در چرخه سوخت هسته ای طبق ماده ۱۸ پروتکل الحاقی شامل تبدیل مواد هسته ای، غنی سازی مواد هسته ای، تولید سوخت هسته ای، راکتورها، موسسات بحرانی، بازفراوری سوخت هسته ای، فرآوری پسماندها با پرتوژی متوسط یا زیاد حاوی پلوتونیوم، اورانیوم با غنای بالا (یعنی ۲۰ درصد و بیش از آن طبق بنده ماده ۱۸) یا اورانیوم ۲۳۳ میباشد.	تحقیق و توسعه متوقف و اولاً: فقط نسبت به موارد جاری انجام شود و ثانياً: نباید مستلزم انباشت مواد غنی شده باشد	تحقیق و توسعه باید اولاً: صرفاً در مورد سانتریفیوژها انجام شود ثانياً: بر اساس محدوده و قیودی که مورد توافق طرف غربی باشد ثالثاً: در یک جدول زمانی مورد توافق با طرف غربی انجام شود
تحقیقات بر روی سانتریفیوژهای IR-۱ (۱۴) دستگاه، IR-۲m (۱۶۲) دستگاه، IR-۴ (۱۶۴) دستگاه در آبشار ۴ و ۱۱ دستگاه در آبشار ۲، IR-۵ (یک دستگاه)، IR-۶s (یک دستگاه) و IR-۸ (یک دستگاه). به همه دستگاه ها غیر از نسل پنج و هشت به صورت مجزا یا در زنجیره های گوناگون خوراک دهی شده است	تحقیقات در همان اندازه سابق متوقف گردد	طبق بیانیه وزارت خارجه ایران در طول ۱۰ سال صرفاً بر روی: IR-۴، IR-۵، IR-۶ و IR-۸ (و مطابق توضیح آقای کمالوندی) حداکثر تا زنجیره ۵۴ تایی

## ۵- نظارتها

دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
۱. محدود بوده است. برای نمونه، نظارت ها روزانه نبوده، به افراد خاصی اجازه ورود به کشور داده نمیشده، دسترسی به کارخانه های تولید روتور یا مونتاژ سانتریفیوژ نبوده است و ...	۱. محدودیتهای قبلی و بیش از آن به صورت بی سابقه برداشته شده است. مانند: ارائه اطلاعات در مورد برنامه های ایران نسبت به تاسیسات هسته ای، توصیف و ارائه اطلاعات نسبت به ساختمانهای موجود در هر سایت هسته ای، میزان و سطح فعالیتهای معادن اورانیوم، کارخانه های تولید اورانیوم، مواد منبع، طراحی راکتور اراک، اعمال پادمان نسبت به راکتور اراک، دسترسی روزانه به دوربین های ناظر که آفلاین هستند برای راستی آزمایی اطلاعات معین، موقت و سرزده، بازدید فیزیکی و بازدیدهای بدون اطلاع، دسترسی مدیریت شده به کارخانه مونتاژ سانتریفیوژ، روتور سانتریفیوژ و معادن و کارخانه های تولید اورانیوم	۱. اقداماتی بیش از توافقنامه ژنو مورد توافق قرار گرفته است
۲. کد اصلاحی ۳،۱ پروتکل الحاقی اجرا نمیشده است	۲. کد اصلاحی ۳،۱ و پروتکل الحاقی اجرا نمیشده است	۲. کد اصلاحی ۳،۱ و پروتکل الحاقی پذیرفته شده است
۳. نصب تجهیزات مدرن ممنوع بوده است	۳. نصب تجهیزات مدرن اشاره نشده است	۳. نصب تجهیزات مدرن پذیرفته شده است
۴. دسترسی محدود بوده است	۴. دسترسی بیشتر نبوده است	۴. دسترسی بیشتر پذیرفته شده است که شامل دسترسی به افراد میشود
۵. اجازه بررسی ابعاد احتمالی نظامی داده نمیشده است	۵. ذکر صریحی از بررسی ابعاد احتمالی نظامی نشده است جز حل و فصل نگرانی های گذشته و حال	۵. اجازه بررسی ابعاد احتمالی نظامی داده شده است و تاکید شده است که نگرانی های گذشته و حال باید بر طرف شود

## ۶- تحریمها

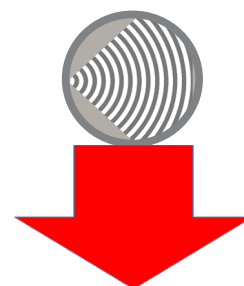
دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
۱. تحریم های اتحادیه اروپا، آمریکا (کنگره و دستورات اجرایی رئیس جمهور، اولیه و ثانویه)، شورای امنیت، تحریمهای هسته ای، موشکی، حقوق بشر و تروریسم برقرار بوده است	۱. در گام اول تعهد تعلیق تحریم از صادرات پتروشیمی، بیمه کشتی ها، تامین قطعات هواپیما، برگشت پول معین به ایران و ... داده شد. همچنین بیان شد که هیچ تحریم جدیدی از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا وضع نمیشود. ولی عمل نکردند	۱. وعده های مشروطی داده شده است
۲. تحریمها - بصورت کلی - موجود بوده است	۲. در گام نهایی وعده برداشتن کامل تحریمهای مربوط به هسته ای در چهار مورد تجارت (TRADE)، تکنولوژی (TECHNOLOGY)، مالی (FINANCE) و انرژی (ENERGY) داده شده است	۲. وعده برداشته شدن تحریمهای مربوط به هسته ای در دو مورد اقتصادی (ECONOMY) و مالی (FINANCE) مشروط به اجرای تعهدات کلیدی هسته ای ایران و تایید آژانس شده است
۳. تحریمهای اتحادیه اروپا برقرار بوده است	۳. وعده لغو تحریمهای همه جانبه هسته ای اروپا در چهار مورد تجاری، مالی، تکنولوژی و انرژی در گام نهایی داده شده است.	۳. صرفا اجرای تحریمهای هسته ای اروپا در دو مورد اقتصادی و مالی مشروط و همزمان با انجام تعهدات کلیدی هسته ای ایران و تایید آژانس لغو خواهد شد
۴. تحریمهای آمریکا برقرار بوده است	۴. وعده لغو تحریمهای همه جانبه هسته ای آمریکا در چهار مورد تجاری، مالی، تکنولوژی و انرژی در گام نهایی داده شده است.	۴. تحریمهای آمریکا اولاً: لغو نخواهند شد بلکه به صورت موقت متوقف خواهند شد، ثانیاً: این تحریمها صرفاً محدود به هسته ای هست، ثالثاً: فقط در دو مورد مالی و اقتصادی خواهد بود و رابعاً: صرفاً در مورد تحریمهای ثانویه یعنی فرامرزی خواهد بود
۵. تحریمهای شورای امنیت برقرار بوده است	۵. وعده لغو تحریمهای همه جانبه هسته ای شورای امنیت در چهار مورد تجاری، مالی، تکنولوژی و انرژی در گام نهایی داده شده است.	۵. قطعنامه ای از سوی شورای امنیت صادر میشود و اولاً: از توافق جدید با جزئیاتش حمایت میکند، ثانیاً: همه قطعنامه های مربوط به هسته ای را لغو میکند و ثالثاً: تدابیر محدودیت کننده ای را در آن در یک دوره زمانی مورد توافق وارد میکند

## ۷- ذخایر

دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
۸ هزار و چهارصد و هفتاد و پنج کیلوگرم ۵ درصد و ۴۴۷،۸ کیلوگرم ۲۰ درصد ذخیره داشته و فرآیند غنی سازی ادامه داشت	تمام مواد ۲۰ درصد باید نابود شود و بر ذخایر ۵ درصد نباید به هیچوجه اضافه گردد	ذخایر ۵ درصد نیز باید نابود شود و به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش یابد

## ۸- تولید سانتریفیوژ

دولت سابق	توافق ژنو	بیانیه لوزان
تولید سانتریفیوژ به هر اندازه و با هر نسلی در حال ادامه بوده است	تولید سانتریفیوژ برای نسل یک و به اندازه سانتریفیوژهای خراب شده مجاز است	تولید سانتریفیوژ ممنوع و مازاد بر ۶۱۰۴ دستگاه، جمع آوری و انبار میگردد



## سقوط رتبه علمی ایران در سکوت مسئولان!

میزان تولیدات علمی ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز از سوی مهراد، ۲۹ هزار و ۹۸۵ مدرک اعلام شد که در مقایسه با سال ۲۰۱۲ میلادی که ایران موفق به تولید ۳۰ هزار و ۱۸۵ مدرک شده است تعداد ۲۰۰ مدرک کمتر است.

همچنین در پایگاه اسکوپوس در سال ۲۰۱۲ کشورمان ۴۰ هزار و ۱۰۴ مقاله نمایه کرده اما در سال ۲۰۱۳ ایران با کاهش بیش از ۱۰۰۰ مقاله نسبت به سال ۲۰۱۲، ۳۹ هزار و ۹۹ مقاله در اسکوپوس نمایه کرد.

با این وجود وزارت علوم در تازه‌ترین آمار منتشر شده خود حرفی از سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به میان نمی‌آورد و آماری از ۱۵ سال گذشته را ارائه می‌دهد به طوریکه محمد جواد دهقانی، رئیس مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری و سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) گفته است: براساس مدارک

دو سال اخیر که سقوط علمی ایران را در پی دارد اعلام نکرده و برای اعلام جایگاه ایران از رشد تولید علم در ۱۵ سال گذشته استفاده کرده است در حالیکه اگر فقط دو سال اخیر را بررسی کنیم با سقوط چند پله‌ای ایران در تولید علم رو به رو هستیم. جعفر مهراد استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز و سرپرست سابق ISC که در زمان فعالیت خود در این پایگاه به طور مداوم آمار به روز ارائه می‌داد در گفت‌وگویی در دی‌ماه سال ۹۳ آخرین آمار تولید علم ایران را ارائه کرد و از کاهش تولید علم خبر داد.

به گفته مهراد، پژوهشگران ایرانی در طول سال ۲۰۱۴ میلادی تعداد ۲۶ هزار و ۴۹۴ مدرک تولید کردند که از سوی پایگاه استنادی تامسون رویترز که در ایران به آی اس آی معروف است ثبت و نمایه شد.

سقوط ایران در رتبه‌بندی تولید علم دنیا در دو سال اخیر با مراجعه‌ای سطحی به پایگاه‌های رتبه‌بندی کاملاً مشخص است و این در حالی است که مسئولان وزارت علوم با سیاست خاصی برای اعلام رتبه‌بندی، آمار ۱۵ سال اخیر را اعلام کرده و از رشد تولید علم ایران خبر می‌دهند!

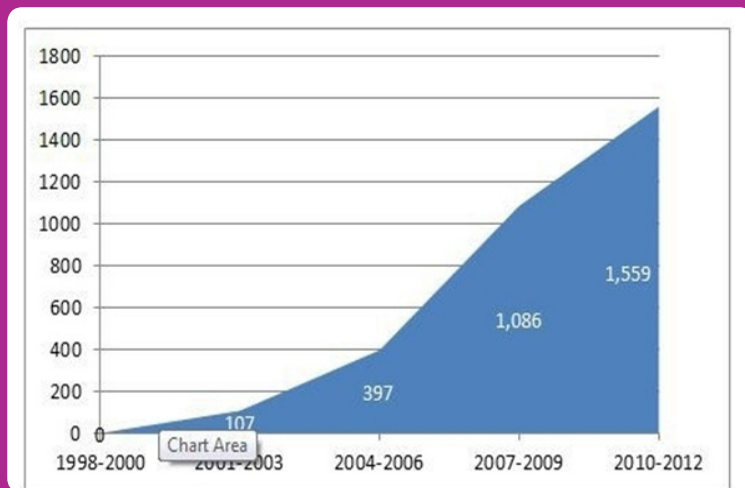
فارس: سقوط جایگاه ایران در تولید علم در دو سال اخیر امری است که با یک مراجعه سطحی به پایگاه‌های رتبه‌بندی جهانی مانند ISI یا اسکوپوس کاملاً قابل مشاهده است ولی وزارت علوم که این مساله را انکار می‌کند در آخرین آمار خود که از زبان دهقانی سرپرست ISC نقل کرده است، ایران را صاحب رشد می‌داند.

البته وزارت علوم با اعلام رشد علمی ایران در ۱۵ سال اخیر غلط ارائه نداده ولی با سیاست‌کاری خاصی آمار

“



**نمودار زیر نیز به ما می گوید میزان تولید علم در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۲ نسبت به دوره نخست (۱۹۹۸-۲۰۰۰)، رشدی ۱۶۰۰ درصدی را تجربه کرده است.**



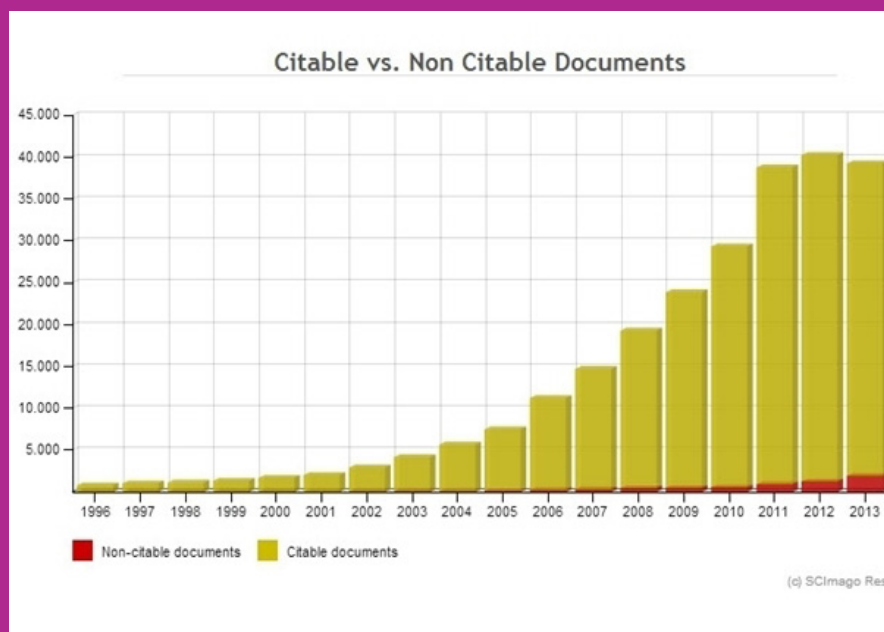
این خبر اشتباه نیست و جای افتخار هم دارد ولی دهقانی که به سهم یک و نیم درصدی از تولید علم دنیا اشاره کرده است به این امر اشاره نکرده که این آمار سقوط ما را در سال های اخیر نشان می دهد به طوریکه در سال ۲۰۱۲ کشورمان ۱.۶ درصد تولید علم دنیا را به خود اختصاص داد. اما در سال ۲۰۱۳ که نیمی از آن تحت مدیریت تیم کنونی بوده، سهم ایران از تولید علم دنیا نیز به ۱.۵ درصد کاهش یافته و این مساله در نمودار زیر مشهود است.

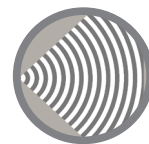
همچنین دهقانی در حالی از ارتقای رتبه ایران از رتبه ۴۸ به جایگاه ۱۶ در ۱۵ سال اخیر خبر می دهد که رتبه ایران در تیرماه ۹۲ جایگاه ۱۵ اعلام شده بود و دهقانی از این مساله صحبتی به میان نمی آورد که جایگاه ۱۶ سقوط ما را دربر داشته است. به هر حال جامعه دانشگاهی انتظار شنیدن اخبار به روزتر و جدیدترین آمار را از وزارت علوم دارد.

علمی ثبت شده در پایگاه های استنادی آی.اس.آی و اسکوپوس تا اردیبهشت ۱۳۹۴ سهم جمهوری اسلامی ایران از تولید علم دنیا در ۱۵ سال گذشته رشد قابل ملاحظه ای داشته است.

این مساله که از سوی دهقانی بیان شده است خبر جدیدی نبوده و همگان می دانند که رشد علمی کشور در ۱۵ سال اخیر شتاب قابل توجهی گرفت و دست آوردهای گوناگون علمی توسط دانشجویان ایرانی پی در پی خیرساز می شد به طوریکه یک پای ثابت همه پیشرفت های چشمگیر کشور در صنایع فضایی و ماهواره ها، فناوری هسته ای، علوم نانو، رباتیک، دانشجویان دانشگاه های ایران بودند و این دستاوردها در سال های پایانی دولت گذشته، در رتبه بندی های علمی جهانی نیز خود را نشان داد و کشورمان رتبه نخست جهان در سرعت رشد علمی را کسب کرد.

همچنین دهقانی با افتخار گفته است: ایران در حال حاضر یک و نیم درصد از علم دنیا را تولید می کند و این در حالی است که در سال ۲۰۰۰ تنها سیزده صدم درصد از علم دنیا به ایران اختصاص داشت و سهم تولید علم ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ مرتباً افزایش یافته است.





## نسخه امام رضا (ع) برای تشخیص حق در فتنه

هادی شریفی

“ فتنه به زبان ساده به شرایطی گفته می شود که حق و باطل چنان به هم آمیخته می شوند که تشخیص آنها از یکدیگر سخت است و فرد را به خطا می اندازد و به همین جهت عبور از آن بسیار دشوار است. اما امام رضا(ع) در حدیثی به بیان ساده از دستورالعمل و نحوه شناسایی حق و جدایی آن از باطل در این شرایط دشوار پرداخته اند که در زیر مختصر و مفید به آن می پردازیم. در کتاب وسائل الشیعه ۱ جلد ۱۶ صفحه ۱۷۹ حدیث ۲۱۲۸۹، حدیثی از امام رضا(ع) درباره فتنه آمده است که می فرمایند: **إِنَّ مَمَّنْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، مِنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَيَّ شَيْعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ.** **فَقُلْتُ: بِمَاذَا؟ قَالَ: بِمَوَالَاتِ أَعْدَائِنَا وَمَعَادَاةِ أَوْلِيَائِنَا.** **إِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ، اخْتَلَطَ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَاشْتَبَهَ الْأَمْرُ فَلَمْ يُعْرَفْ مُؤْمِنٌ مِنْ مُنَافِقٍ.** یعنی **“همانا از کسانی که مدعی مودت ما اهل بیت هستند کسی هست که در فتنه گری، برای شیعیان ما از دجال شدیدتر است. (راوی) گفتم: برای چه؟ (امام) گفت: به خاطر دوستی با دشمنان ما و دشمنی با دوستان ما. چون چنین شد، حق با باطل آمیخته**

می شود و مؤمن از منافق باز شناخته نمی شود.”

در این حدیث امام(ع) از فتنه ای صحبت می کنند که از فتنه دجال شدیدتر است و شرایط را به گونه ای ایجاد می کند که حق با باطل آمیخته می شود و تشخیص آن بسیار سخت است اما یک راهکار اساسی برای شناخت فتنه نشان می دهند و آن اینکه طرف باطل با دشمنان اهل بیت(ع) دوستی می کند و با دوستان اهل بیت(ع) دشمنی! و این بهترین راهکار در شرایط فتنه است که ما می توانیم تشخیص دهیم حق و باطل کیست. طبق فرمایش امام(ع) هر طرفی که سراغ دشمنان اهل بیت(ع) رفت و با دوستان اهل بیت(ع) دشمنی کرد، باطل است و باید از او تبری کرد؛ و باز طبق فرمایش ایشان طرف باطل از منافقین خواهد بود اگر چه ظاهری بسیار مومن داشته باشد.

اینکه منظور امام(ع) کدام فتنه است که از فتنه دجال سخت تر و شدیدتر است شاید بتوان آن را با فتنه ۸۸ تطبیق داد، زیرا اساس کار دجال دروغ است و فتنه ۸۸ نیز با ادعای دروغین و بدون سند تقلب گسترده در انتخابات کلید خورد و

همچنین تایید و پشتیبانی مادی و معنوی دشمنان اهل بیت(ع) از ریگی جندالشیطان و مدونا خواننده کابالیست شیطان پرست و مریم رجوی منافق گرفته تا آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی کودک کش که دستشان به خون صدها هزار شیعه و مسلمان آغشته است و دشمنی با دوستان اهل بیت(ع) را به همراه داشت و در نوع خود بسیار مخرب و شدید بود که موجب خسارات جبران ناپذیر مادی و معنوی شد لذا این فتنه شباهت بسیاری با آنچه که امام(ع) فرمودند دارد و هنوز هم می بینیم فراریان این فتنه در داخل و خارج به دامن همان آمریکا و انگلیس که در طول تاریخ دشمنی خود با دین خدا و اهل بیت(ع) ثابت کرده اند پناه می برند. و باز طبق فرمایش امام رضا(ع) می توان جنبش مرده سبز را نیز از اصحاب نفاق و منافق نامید حتی اگر اهل تهجد باشند. البته شاید فتنه های دیگری تا ظهور امام زمان (عج) در راه باشند، اما امام رضا(ع) یک قانون کلی بیان کرده اند که در هر فتنه ای می توان از آن استفاده کرد و راه صحیح و حق را پیدا کرد.



## سخنان حضرت آقا در مورد اقدام به کودتای فتنه گران در انتخابات ۸۸

در بین عوامل گوناگون، در بین مسئولان نظام باز کند.

- البته کسانی بخواهند از طرق غیر قانونی عمل کنند، خوب به ضرر کشور میکنند؛ کما اینکه در سال ۸۸ از راه‌های غیر قانونی وارد شدند، کشور را دچار هزینه کردند، برای مردم اسباب زحمت درست کردند، برای خودشان هم اسباب بدبختی و سرشکستگی در زمین و در ملاً اعلی شدند.

- کارشان منطقی نبود، معقول نبود؛ برای کشور هزینه درست کردند، خوب، کشور بر این مسائل فائق می‌آید. نظام جمهوری اسلامی قوی است. این خرابکاری‌ها و انگشت توی چشم کردنها و این مزاحمتها و آزارها، جمهوری اسلامی را که از پانمی‌اندازد، منتها برای کشور هزینه درست میشود.

- سال ۸۸ اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را درست

می‌آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. یک عده‌ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش‌سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است.

- کسانی که فتنه‌ی سال ۸۸ را شروع کردند... به کار کشور ضربه‌ی سختی زدند. اگر این فتنه نبود، بلاشک کارهای گوناگون کشور بهتر پیش می‌رفت.

- اینها دشمنان را امیدوار کردند و روحیه دادند به کسانی که علیه نظام اسلامی جبهه‌بندی کرده‌اند و یک جبهه‌ای تشکیل داده‌اند.

- گناه بزرگی که برخی از دست‌اندرکاران فتنه‌ها در کشور انجام میدهند، امیدوار کردن دشمن است؛ دشمن را امیدوار میکنند که میتواند منفذی در بین مردم،

نابود کردن حادثه افتخارآمیز انتخابات پرشور ۸۸ و هتک آبروی نظام در مقابل ملتها ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملتها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده می‌گیرند...

- تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگ تری است.

- در این فتنه‌های بعد از انتخابات، آن چیزی که اساس قضیه است، این است که رأی مردم و حضور مردم از نظر یک عده‌ای نفی شد، مورد خدشه قرار گرفت، نظام تکذیب شد، مورد تهمت قرار گرفت. گناه بزرگی که انجام دادند، این بود.

- اینها بایست تسلیم میشدند انتخاباتی انجام می‌گیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، یک نتیجه‌ای هم با خود به دنبال



نه در مجامع عمومی، نخیر، به شکلی که قابل جواب دادن بوده؛ اما جواب ندارند. خب، چرا عذرخواهی نمیکنند؟ در جلسات خصوصی میگویند ما اعتراف میکنیم که تقلب اتفاق نیفتاده بود. خب، اگر تقلب اتفاق نیفتاده بود، چرا کشور را دچار این ضایعات کردید؟ چرا برای کشور هزینه درست کردید؟ اگر خدای متعال به این ملت کمک نمیکرد، گروه‌های مردم به جان هم می‌افتادند، میدانید چه اتفاقی می‌افتاد؟ می‌بینید امروز در کشورهای منطقه، آنجائایی که گروه‌های مردم مقابل هم قرار میگیرند، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ کشور را لب یک چنین پرتگاهی بردند؛ خداوند گذاشت، ملت هم بصیرت به‌خرج دادند. در قضایای سال ۸۸، این مسئله‌ی اصلی است.

–من خواهش میکنم اگر چنانچه مسائل سال ۸۸ را مطرح میکنید، مسئله‌ی اصلی و عمده را در این قضایا مورد نظر و در مدّ نگاهتان قرار دهید؛ آن مسئله‌ی اصلی این است که یک جماعتی در مقابل جریان قانونی کشور، به شکل غیر قانونی و به شکل غیر نجیبانه ایستادگی کردند و به کشور لطمه و ضربه وارد کردند؛ این را چرا فراموش می‌کنید؟

–اما در این قضایا، مسئله‌ی اصلی گم نشود. خب، در انتخابات سال ۸۸، آن کسانی که فکر میکردند در انتخابات تقلب شده، چرا برای مواجهه‌ی با تقلب، اردوکشی خیابانی کردند؟ چرا این را جواب نمیدهند؟ صد بار ما سؤال کردیم؛

بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود. یک عده‌ای یا برای خاطر اغراض نفسانی، یا هدفهای خلاف سیاسی، یا هرچه – حالا در آن زمینه نمیخواهیم قضاوتی بکنیم – از قانون تخلف کردند، خطا کردند، از راه غیر قانونی وارد شدند؛ هم به خودشان صدمه زدند، هم به ملت صدمه زدند، هم به کشور صدمه زدند. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند.

–البته در سال ۸۸ بعضی خطای بزرگی را مرتکب شدند، کشور را در لبه‌ی یک چنین پرتگاهی قرار دادند، یک مشکل اینچینی را برای کشور تدارک دیدند؛ اما بحمدالله خدای متعال کمک کرد، ملت توانست از این مشکل عبور کند.





در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۹۳، خدمت حضرت آیت‌ا...  
حمیدی امام جماعت مسجدالشهداء دانشگاه  
رسیدیم و مصاحبه‌ای صمیمانه با ایشان  
داشتیم که از نظرتان می‌گذرد.



## مصاحبه با آیت‌ا...

### سید هاشم حمیدی

سی سال جهاد در سنگر دانشگاه  
مجتهد، پدر شهید، شاگرد امام راحل،  
نماینده سابق مجلس، مسوول وقت نهاد و  
امام جماعت مسجد الشهداء دانشگاه

نظیر احادیث اخلاقی آنقدر بر رویش  
کار نشده است. اگر کسی بیاید بر  
روی آنها کار کند و آنها را تنقیح کند  
کار خوبی خواهد بود. البته باید آنها  
با مطابقت با قرآن محک زده بشوند.  
در سال ۱۳۸۳ یک ناراحتی قلبی پیدا  
کردم که در بیمارستان در سی‌سی‌یو  
بستری شدم. فکر می‌کردم که کار  
ما دیگر تمام شده است و ناراحت  
بودم که چرا این کار را نکردیم. با  
خود می‌گفتم که کاش ما این کار  
را شروع می‌کردیم و دیگران بعد از  
ما ادامه می‌دادند. آنجا نذر کردم  
که اگر بیماری من نیازی به عمل  
جراحی پیدا نکند و من سالم مرخص  
بشوم، این کار را شروع کنم. اتفاقاً  
بعد از معایناتی که کردند گفتند که  
نیازی به عمل جراحی نیست اما باید  
فعالیت‌های خود را کم کنید. من هم  
بعد از مرخص شدن، قلم بر دست  
گرفتم و کار را شروع کردم. مثلاً در  
باب طلب علم، داریم که طلب العلم  
فریضه علی کل مسلم. اگر به سند این

سطح را می‌خواندم و تا سال ۱۳۴۶  
به مدت شانزده سال درس خارج فقه  
و اصول را از آیات عظام مرحوم آقای  
بروجردی، حضرت امام، محقق داماد،  
اراکي و گلپایگانی استفاده کرده‌ام و  
تفسیر و فلسفه را نزد علامه طباطبایی  
فرا گرفته‌ام. در همان سالها هم من  
خودم درس می‌دادم. سال ۱۳۴۶ در  
خیابان پنجم نیروی هوایی مسجدی  
ساخته بودند که از من درخواست  
کردند که من امام جماعت آنجا  
بشوم. بعد از انقلاب در مدرسه عالی  
شهید مطهری نیز مشغول به درس و  
بحث شدم. از سال ۱۳۷۲ به تدریس  
خارج و فقه و اصول مشغول بوده‌ام.  
کتابهای مختلفی را نیز تالیف کرده‌ام.  
به عنوان نمونه تنقیح الاحادیث و  
الاحبار که به عربی نوشته‌ام. استاد  
ما علامه طباطبایی می‌فرمودند که  
احادیثی که ما مطالعه می‌کنیم،  
منقح نشده است. به این معنی که  
احادیث فقهی تا بحال بسیار کار شده  
است اما اینکار در مورد سایر احادیث

نباۀ: حاج آقا، سلام  
علیکم. خدا قوت و  
خسته نباشید. از اینکه  
وقتتان را در اختیار ما قرار دادید،  
سپاسگزاریم.  
حاج آقا: بسم الله الرحمن الرحيم.  
اولاً تشکر می‌کنم از لطفی که به  
بنده دارید. من نشریات دانشگاه را  
می‌خوانم و نشریه شما رو هم مطالعه  
می‌کنم و خوشبختانه خیلی خوب  
هست و تلفنی هم از دکتر صالح‌زاده  
تشکر کرده‌ام.

نباۀ: در ابتدا یک معرفی از خودتان  
در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی،  
جهادی و فعالیت‌هایی که داشته‌اید،  
بفرمایید.

حاج آقا: بنده متولد سال ۱۳۰۹  
شمسی هستم. در سال ۱۳۲۳ از  
کلاس ششم ابتدایی فارغ التحصیل  
شدم و وارد حوزه همدان که وطن  
من بوده است شدم. از سال ۱۳۲۷  
به قم رفتم و تا سال ۱۳۳۰ دروس

حدیث مراجعه کنید، متوجه می‌شوید که از نظر سندی حدیث قوی نیست. اما این حدیث مطابق آیه قرآن است. مطابق آیه فلو لا نفر من کل فرقه منهم طائفه ... لعلهم یحذرون. می‌فرماید که چرا از هر جمعیتی یک عده نمی‌روند نزد پیامبر تا فقه یاد بگیرند و برای مردم بازگو کنند. این آیه می‌گوید بروید و آن حدیث هم همین مطلب را می‌گوید. پس حدیث، حدیث درستی است. از این نمونه‌ها باز هم هست. در هر حال برای اینکه سراغ حدیثهایی برویم که ضعیف نباشد، سراغ اصول کافی رفته‌ام و از احادیث آن شروع کردم چراکه عمده احادیث آن معتبر است. تا بحال این کار، یک کتاب قطوری شده است. تا حدود اواسط احادیث توحید پیش رفته‌ام.

بگذارید یادی کنم از مرحوم شهید بهشتی اعلی الله مقامه. در زمانی که من در قم بودم، ایشان از فضایی برجسته قم بود. ایشان هم دوره بود با شهید مفتاح، آیت الله سبحانی، آیت الله مکارم شیرازی. با این عظمتی که داشت، ایشان مدیر یک دبیرستان شده بود. دبیرستانی که ایشان مشغول بود در انتهای خیابان باجک قم بود. ایشان می‌گفتند که طلبه‌ها اگر به علوم جدید وارد نباشند، با تحصیل کرده‌های علوم جدید اگر هم کلام بشوند، نمی‌توانند با آنها خوب ارتباط برقرار کنند. باید کلاس‌هایی تشکیل شود که طلاب با علوم جدید آشنا شوند. از میان طلاب، آیت الله مصباح یزدی و آقای دوانی و من و دیگر دوستان در مرکزی که به این منظور تشکیل شده بود مشغول به درس خواندن شدیم. در آنجا زبان انگلیسی در حد مکالمه و دیگر دروس نظیر فیزیک و شیمی تدریس می‌شد. در سال ۱۳۵۷ حضرت آیت الله گلپایگانی من را فرستادند به مجمع اسلامی لندن که یک موسسه دینی بود. در آنجا آن تحصیلاتی که شروع کرده بودیم، بسیار برایمان مفید واقع شد. خود شهید بهشتی به آلمان

رفته بود. در خیابان که راه می‌رفتیم یک نفری ما را در خیابان دید و به من گفت خمینی خمینی. در آن سال حضرت امام (ره) در پاریس بودند که ما به ملاقات ایشان هم رفتیم. بعدا این دروسی که شروع کرده بودیم در دانشگاه‌ها هم به درد ما خورد چراکه ما نسبت به این علوم جدید دیگر بیگانه نبودیم.

**نبأ:** حاج آقا از چه سالی وارد دانشگاه علم و صنعت شدید؟  
**حاج آقا:** اوایل انقلاب دانشگاه‌ها بواسطه اینکه منافقین آنها را گرفته بودند بسته شدند. بعد از بازگشایی، مسئول نهاد رهبری دانشگاه، مرحوم آقای قدوسی اعلی الله مقامه بود. او از ما دعوت کرد که بیاییم و معارف درس بدهیم. همچنین به ما گفتند که اقامه نماز را هم بر عهده بگیریم و آن هم بر عهده ما افتاد. از آن طرف، مسئول نهاد رهبری دانشگاه متاسفانه سکت کرده و وفات یافتند. آقایونی که در اینجا بودند به ما لطف داشتند و این مسئولیت را نیز به گردن ما انداختند. بنابراین مسئول نهاد هم بودیم تا اینکه بعدا برای خودم مشکل پیدا شد و در بیمارستان بستری شدم و به من گفتند که باید فعالیت‌هایم را کم کنم که به این ترتیب دیگر مسئولیت نهاد را واگذار کردم. بعدا می‌خواستم که دیگر نماز هم نیایم، اما به من گفتند شما که بلاخره می‌خواهید نماز بخوانید، بیایید و در اینجا بخوانید.

**نبأ:** هنوز هم در دانشگاه تدریس می‌کنید؟

**حاج آقا:** الان نه دیگر. تا قبل از آن موقع که در بیمارستان بستری بشوم درس می‌دادم اما بعد از آن دیگر به تدریس در دانشگاه ادامه ندادم. البته یک درسی در منزل دارم که خارج فقه و اصول هست که برای اساتید برگزار می‌کنم.

**نبأ:** ظاهرا نماینده مجلس هم بوده‌اید؟  
**حاج آقا:** در ابتدای انقلاب نماینده مجلس شورای اسلامی دوره اول و دوم بودم. از حوزه همدان کاندید شده بودم. در آن زمان مرحوم آیت الله مدنی امام جمعه همدان بودند. ایشان گفته بودند که اگر فلانی (حاج آقا حمیدی) بیایند، من به ایشان رای می‌دهم. بعد هم آقایان علما بیانیه دادند و به این ترتیب من رای آوردم و وارد مجلس شدم. در مجلس من رئیس کمیسیون دیوان محاسبات بودم که مسئولیت رسیدگی به بیت المال را دارد و اینکه آیا مصارف درست انجام شده است یا خیر.

**نبأ:** هنوز هم در مسجد محل فعالیت دارید؟  
**حاج آقا:** بله از سال ۱۳۴۶ که آمدم، در همین مسجد که نامش انصار الحسین (ع) هست تا الان فعالیت دارم.

**نبأ:** الان مسئولیتی هم جایی دیگر دارید؟

**حاج آقا:** خیر. البته عضو شورای مرکزی جامعیت روحانیت مبارز هستم. در دوران مبارزه که افرادی مانند آیت الله مطهری، شهید مفتاح، شهید باهنر، شهید محلاتی، شهید بهشتی و آقای مرحوم مهدوی کنی بودند با آنها همکاری داشتم و الان هم در آنجا فعال هستم.

**نبأ:** حاج آقا در مورد جبهه و فرزند شهیدتان هم توضیحاتی را بفرمایید.  
**حاج آقا:** آن چیزی که مربوط به خودم هست، گفتنش سخت است. یک خاطره‌ای که دارم این است که

را می‌خواهد. روحانیت کار پیغمبرها را می‌کند و من تمایل دارم که شما بروید حوزه و مشغول درس و بحث بشوید. اتفاقاً آن دوران مصادف بود با پیروزی انقلاب. بعد از انقلاب، ایشان اسلحه بدست شد و در کمیته عضو شد و همواره در مسجد فعالیت مستمر داشت. گاهی می‌شد که داشت غذا می‌خورد، تماس می‌گرفتند که منافقین فلان جا حمله کرده‌اند که ایشان هم اسلحه را بر می‌داشت و می‌رفت. یک سال قبل از پسر، داماد شهید ابوالقاسم اقدسی شهید شد. یک فرزند پنج ماه هم داشت. پسر با او خیلی رفیق بود. قبل از انقلاب اینها اعلامیه‌های حضرت امام را چاپ و توزیع می‌کردند. یک شب بعد از شهادت داماد، دیدم که پسر یک چیزی نوشت و بر سر طاچه گذاشت. کسی حق ندارد نوشته کسی را بدون اجازه بخواند اما من چون پدرش بودم و ولایت داشتم،

رفتم و آن نوشته را خواندم. دیدم که یک شعری را نوشته. «خوشا آنان که با عزت ز گیتی، بساط عشق برچیدند و رفتند.» (حاج آقا شروع کردند به گریه کردن). «خوشا آنان که در راه عدالت، بخون خویش غلطیدند و رفتند.» خاطر هست که حدود ۱۰ بیتی بود. بعدا هم که وصیتنامه ایشان را خواندم، نوشته بود که چرا ما اینقدر باید بی‌سعادت باشیم که هر روزه شاهد شهادت دوستانمان باشیم و خودمان به این سعادت نرسیم. خیلی مشتاق شهادت بود. ایشان رفتند به کردستان و با کومله و دموکرات‌ها درگیر بود. ایشان هم عضو سپاه شده بود. بعد در آنجا مجروح شد و یک کلیه‌اش را از دست داد. سپاه دیگر موافقت نمی‌کرد که بواسطه مجروحیتش به جبهه برود. بعدا در نامه‌هایش دیدیم که یکی از سرداران به نام سردار معمایی در نامه‌ای نوشته است، یا کسی به ایشان نوشته است، که فلانی مرخصی بدون حقوق گرفته است و می‌خواهد که به عنوان بسیجی به

برای آنها صحبتی کنم. اتفاقاً پسر هم همراهم بود. وقتی رفتیم آنجا هر چه آنها را صدا زدیم، جوابی نمی‌دادند. بعد به یک سنگر رفتیم و تعدادی را دیدیم. به آنها گفتم چرا شما جواب نمی‌دهید؟ گفتند که به ما گفته‌اند که مسئولین به اینجا نیایند چرا که خطر دارد. ما می‌خواستیم شب بمانیم اما آنها می‌گفتند که خطر دارد و راضی نبودند که ما بمانیم و ناراحت بودند. رضا (فرزند حاج آقا) گفت که هر چه که اینها می‌گویند درست است و ما باید برویم. ما هم رفتیم. از آنجا سر راه به منطقه حاج عمران برخورد کردیم. اتفاقاً در آنجا حسینیه‌ای بود که پر بود از رزمندگان. خدا خواست که ما شب به آنجا برسیم و برای آنها صحبت کنیم.

اما در مورد پسر، در انتهای این کتاب یک نامه‌ای به او نوشته‌ام. وقتی که ایشان دیپلم گرفت، به او نوشتم که هر پدری سعادت فرزندش

یک بار که به جبهه رفته بودم، شهید صیاد شیرازی را در جبهه ملاقات کردم. ایشان ما را خیلی احترام کرد. گفتم که دوست دارم که وقتی به اینجا می‌آیم، هدیه‌ای برای رزمندگان بیاورم. ایشان بواسطه علاقه‌ای که به روحانیت داشت گفتند وقتی یکی از شما آقایون روحانی که می‌آیید اینجا، به اندازه یک گردان ارزشمند است. یک بار هم یک بچه سیزده ساله که الان هم با او عکس دارم آمده بود و به من التماس می‌کرد که قرار حمله است و بگویند که من را هم بفرستند به عملیات. با سپاه صحبت کردم اما آنها گفتند که برای ما مسئولیت دارد. او خیلی سنش کم است و برای ما مسئولیت دارد. من هم او را قانع کردم که بماند و شرکت نکند. الان هم نمیدانم که او زنده است یا شهید شده است. خاطره دیگر هم این است که یک دفعه به سپاه همدان رفته بودم و چون نماینده بودم قرار شد که





جبهه برود. بدین ترتیب او رفت و شهید شد. ایشان در عملیات خیبر در جزیره مجنون شهید شد. جنازه‌اش را هم نیاوردند تا چهارده سال. بعد از چهارده سال جنازه ایشان شناسایی شد و به ایران آوردند و در قطعه ۲۶ دفن شد. زندگینامه و وصیتنامه‌های ایشان هم در این کتابچه موجود است که می‌توانید از آن استفاده کنید.

**نبااء:** حاج آقا نظر شما در مورد اینکه دانشگاه علم و صنعت که معروف به فیضیه دانشگاه‌ها است، چه می‌باشد؟

**حاج آقا:** واقعا همینطور است. من افتخار می‌کنم که در اینجا مشغول هستم. هرکسی هم که می‌آید و نماز اینجا را می‌بیند، می‌گوید که حتی در دانشگاه تهران هم اینگونه نیست. در اینجا الحمدلله تا بیست صف نماز هم تشکیل میشود. من در بسیاری از دوره‌ها در این دانشگاه بودم. از زمانی که دکتر تائب رئیس بوده است، بوده‌ام. همگی الحمدلله اساتیدی متعهد و مقید و پابند به مسجد و جماعت بوده‌اند. انشاءالله که جاهای دیگر هم اینگونه باشد.

**نبااء:** نظر شما در مورد عفاف و حجاب چه است؟

**حاج آقا:** در مورد عفاف و حجاب خیلی هم حساس هستم. آن زمانیکه مسئول دفتر رهبری بودم، به مسئول دفترم گفته بودم که خانمهایی که برای مراجعه می‌آیند، باید با حجاب کامل بیایند. الان متأسفانه بعضی‌ها در این مورد خیلی شل عمل می‌کنند. دستورالعمل داریم که از دانشجویان تعهد گرفته‌اند که اصول اسلامی را باید رعایت کنند. کارمندانی هم که از دانشگاه حقوق می‌گیرند هم چنین تعهدی را می‌دهند. حدیث داریم از حضرت زهرا (س) که بهترین زینت

نیست، باید فعال شود. این را بارها گفته‌ام که در امر به معروف و نهی از منکر گاهی فکر می‌کنیم که بگوییم یا نگوییم؟ شهدا را مجسم ببینیم که به ما می‌گویند ما از جان خودمان گذشتیم آنوقت شما از گفتن حرفی که کسی خوشش بیاید یا بدش بیاید می‌ترسید؟

**نبااء:** هر از گاهی پیش می‌آید که فردی حتی در کسوت استادی به ارکان نظام هتاک می‌کند. به نظر شما باید چکار کرد؟

**حاج آقا:** اینها را باید کمیته انضباطی اساتید اقدام کند و اگر هم کاری انجام نشد باید از بالاتر اقدام شود.

**نبااء:** اگر پیامی دارید به اساتید، کارمندان، دانشجویان بفرمایید.  
حاج آقا: عرض کنم که اول مسئولین

زن آن است که مردی او را نبیند و او هم مردی را نبیند. حالا اگر ما این را رعایت نمی‌کنیم، لااقل حداقلها را رعایت کنیم.

**نبااء:** اگر ناهنجاری در دانشگاه دیده شود، وظیفه اساتید، دانشجویان و کارمندان چیست؟

**حاج آقا:** زمانیکه من مسئول نهاد بودم، یک جمعیت امر به معروفی را درست کرده بودیم مخصوص خانم‌ها. این واجب است که درست شود. جوانان می‌گویند که اگر ما بخواهیم امر به معروف کنیم، ما نمی‌توانیم و ممکن است که بگویند شما حرف بد به ما گفته‌اید. خانم‌ها باید این کار را بکنند. گرچه تذکر آقایان به خانم‌ها اشکال شرعی ندارد ولی بهتر است خانم‌ها به خانم‌ها تذکر دهند برای اینکه یک وقت حرفی در نیاید. اگر این الان در دانشگاه فعال



آنها هم بچه‌های خوابگاه را جمع کرده‌اند که بیایند و مقابله کنند. فوری گفتم که بیایید و دعای توسل بخوانیم. آنها آمدند و از پشت پنجره دیدند که فقط دانشجویان دانشگاه هستند و کسی دیگر نیست و رفتند. بعد از آن، آقای قمی آمد و من به او گفتم که ای کاش حداقل رئیس دانشگاه می‌آمد و یه احوالی از اینها می‌پرسید. گفت که اگر وزیر بیاید چطور؟ خوب هست؟ رفت و وزیر علوم یا شاید معاون وزیر را آورد. ایشان آمد و برای دانشجویان صحبت کرد. بچه‌ها را قانع کرد که ما این مسائل را رسیدگی می‌کنیم و شما این تحصن را خاتمه بدهید. ما هم گفتیم که باشد. داشتیم بیانیه می‌نوشتیم که گفتند می‌خواهند حمله کنند به مسجد. فردای آن روز دیدم که در سالن شهید بهرامی مراسم پرسش و پاسخ گذاشته‌اند. بچه‌های تحصن گفتند که اینها می‌خواهند سر ما کلاه بگذارند و ما می‌خواهیم که به تحصن ادامه بدهیم. من گفتم که آیا شما من را مجتهد می‌دانید؟ من ادامه تحصن را بر شما حرام می‌کنم. اینها هم قبول کردند که تحصن را خاتمه دهند. اگر تحصن را ادامه می‌دادند، آنها می‌آمدند و درگیری بوجود می‌آوردند. بدین ترتیب مسئله ختم به خیر شد. حالا من خاطرات مربوط به آن را نیز به شما می‌دهم.

**نباۀ:** خیلی ممنون. خدا حافظتان باشد. ما را دعا کنید.



این خیلی واضح است. مسئولین سعی کنند که احترام فیضیه دانشگاه‌ها را حفظ کنند.

**نباۀ:** در مورد مقام معظم رهبری جملاتی را بفرمایید.

**حاج آقا:** ما از قدیم خدمت ایشان ارادت داشته‌ایم. آقا چند پسر معمم دارد که خیلی خودشان را در انظار نشان نمی‌دهند. یه وقتی آقای روحانی گفتند که رفته‌ام جبهه و دیدم که فرزند آقای خامنه‌ای (آن موقع رئیس جمهور بودند) در جبهه است. گفتم که شما اینجا چکار می‌کنید؟ گفت که اینها نمی‌دانند من پسر که هستم. شما به اینها نگویند که من فرزند ایشان هستم. حضرت آقا از اول متدین بودند و متقی. فرزندانشان هم به همین شکل هستند.

**نباۀ:** در مورد وقایعی که در مسئله تحصن مسجد دانشگاه اتفاق افتاد، کنجکاو هستیم که توضیحاتی را بفرمایید. آنطور که می‌دانیم، شما در آن موقع مدیریت خوبی را در سامان دادن به مسئله و متشنج نشدن آن داشتید.

**حاج آقا:** آقای محمدی که الان مسئول نهاد نمایندگی است، آنوقت به دیگران گفته بود که حمیدی گفته است که راننده خوب کسی هست که بهش نزنند، نه اینکه فقط او به کسی نزند. من به بچه‌ها می‌گفتم که اینطوری خوب است. در آن زمان، واقعه کوی دانشگاه را که حدود یک ماه بعدش اتفاق افتاد، می‌خواستند در اینجا پیاده کنند. یک شب یکی از گردانندگان مسئله آمد و گفت که عده‌ای رفته‌اند و در خوابگاه‌ها گفته‌اند از بیرون آمده‌اند تا بچه‌های دانشگاه را بزنند.



و اساتید از نظر عملکردی اهمیت بیشتری دارند چراکه بقیه از آنها تبعیت می‌کنند. ببینند که عده‌ای رفتند و شهید شدند و عزیزانشان را از دست دادند برای اسلام و دین. ما هم باید مسئولیت خودمان را درست انجام بدهیم. به خانواده خود ابتدا باید پردازیم و آنها را درست کنیم. مثلاً بعضی خانمها محجبه هستند اما فرزندانشان خیر. حالا بعضی‌ها می‌گویند که گناه که فقط بی‌حجابی نیست. درست است اما نباید به این بهانه آن را تعطیل کنیم. اتفاقاً این مساله خیلی مهم است. حدیث داریم که حضرت رسول (ص) می‌فرمایند که «کیف بکم اذا فسدت نساکم و فسق شبانکم». مردم وضع شما چطور است اگر زنان شما فاسد شوند و مردان شما فاسق و امر به معروف هم نکنید؟ ببینید، از فساد خانم‌ها، فسق آقایون پیدا می‌شود.



دکتر محمد سلیمانی، استاد دانشکده برق  
دانشگاه علم و صنعت،  
نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی



## چرا آمریکا تشنه امضای توافق است؟

۱- با امضای توافق طبق فکت شیت آمریکا، ظرف مدت حدود یک ماه تمام ذخایر، تأسیسات هسته ای ایران نابود می شود و تجهیزات جمع آوری می گردد. از آن زمان به بعد دیگر ایران صاحب امکانات و زیر ساخت لازم نیست. ایران اگر بخواهد بازگشت کند با دو چالش اساسی روبرو است: یکی زمان و هزینه و دیگری بازرسی. رساندن نطنز و فردو و اراک به حالت اول نیازمند چندین سال تلاش و هزینه شگفت انگیز است و تولید ذخایر به همین اندازه فعلی سالها زمان می خواهد، که برای ایران اصولاً غیر ممکن است. در عین حال ایران با قدرت هسته ای ضعیف شده تعهداتی را داده است که خودش امضاء کرده و امکان فعالیت بدون مجوز و بازگشت بدون مجوز را ندارد و عملاً بازرسی های پیشرفته پذیرفته شده توسط ایران اجازه چنین کاری را به ایران نمی دهد.

۲- با امضاء این توافق آمریکا هیچ تعهدی الزام آور نداده است و اگر هم تعهدی آبکی بدهد، در این دنیای متکی بر زور آن را اجرا نمی کند. برداشتن و گذاشتن یک تحریم در دنیای امروز برای آمریکا حداکثر چند روز زمان می برد.

بلافاصله پس از توافق و اعمال راستی آزمائی به معنای بررسی عمل انجام شده ایران هستند تا بعداً تصمیمی گرفته شود. ثانیاً آمریکا حربه تحریم را چه بالفعل و چه بالقوه در دست داشته باشد و هر زمانی بدون درنگ بتواند اقدام کند.

۳- اگر مطالب مندرج در فکت شیت آمریکا صحیح باشد یا اگر این مطالب مورد توافق قرار گیرد، این به منظور رفتن ایران زیر چنگال خونین آمریکاست و این فکت شیت را باید "تکبت شیت" نامید. عدم ارائه فکت شیت مکتوب ایرانی دغدغه ها را چند برابر کرده است. خصوصاً که به نظر می رسد عمداً نوعی پنهانکاری و مخفی کاری در جریان است.

۴- رسانه های استعماری به نوعی دولت ایران را شیفته امضای توافق معرفی می کنند، در حالیکه طرف آمریکا و غرب را بی تمایل به امضاء ترویج می نمایند. این نوع القای غلط و معکوس را حتی در لبخندها و اخم ها می توان به وضوح دید.

با کمی تأمل و تحلیل شرایط و دسترسی به اخبار موثق به سادگی می توان نتیجه گرفت و نشان داد که آمریکا عاشق امضای توافق است. با هم نکات زیر را مرور می کنیم:

در مورد مذاکرات هسته ای و قدمهای برداشته شده تاکنون فراوان سخن گفته شده، تحلیل ارائه شده و اظهار نظر گردیده است. ولی در مورد علت عطش آمریکا برای امضای یک توافق با ایران کمتر بحث شده است. اجازه می خواهم در این مورد نکاتی را مطرح کنم شاید مورد توجه تحلیل گران و دولت و مذاکره کنندگان قرار گیرد:

۱- تمام اسناد، مدارک و اظهارات آمریکائیها و غربیها و بیانیه های آنها حکایت از دو فعل کلی دارد: یکی ایران تعهدات سنگین ارائه دهد و آنها تعهدات طولانی و شاید ابدی باشند و امکان نظارت و بازرسی نسبتاً مستقیم را برای آمریکا و غرب فراهم نماید. دیگری آن است که تحریمهای اصلی برداشته نشود، تحریمی هم اگر برداشته شد تعلیقی باشد و قابل بازگشت سریع.

۲- مرور موضع گیری ها و بیانیه های شرکای اصلی آمریکا و خود آمریکا نشان می دهد که اولاً آمریکا و غرب بدنبال نابودی زیرساخت ها، تأسیسات و تجهیزات هسته ای ایران،



لذا چه اتفاقی می افتد:

ایران ذخایر، زیرساخت ها، تأسیسات و تجهیزات را نابود یا جمع آوری می کند و آمریکا هم از نابودی و جمع آوری آنها مطمئن می شود. در این شرایط آمریکا صحبتی یا حرفی و بیانی از برداشتن تحریم می کند و ممکن است چند تحریم دست چندم را هم بردارد و حتی چند غازی از پول بلوکه شده ایران را آزاد کند. ولی بلافاصله پس از نابودی ذخایر، زیرساخت ها، تأسیسات و تجهیزات ایران مجدداً همه تحریم ها و تحریمهای جدید را به بهانه های مختلف مصوب و برقرار می کند. توافق به هم می خورد، و آمریکا درخواست توافق جدیدتری می کند، و بازنده اصلی ایران می شود. ایران سرمایه لازم برای بازسازی و بازگشت هسته ای را ندارد و اگر هم داشته باشد چندین سال طول می کشد تا به نقطه قبل از اجرای توافق برسد. در این مدت فشارهای دیگر و اقدامات جدیدتر اعمال می گردد. ملت ایران فقط می تواند آنگاه توافق را "بدتر از ترکمانچای" بنامند و بس. در این صورت جیثیت ایران در دنیا از بین رفته، عزت و آبروی ایران لکه دار شده و در عوض استکبار در موقعیت

برتر قرار می گیرد. انگلستان همه به دهان می ماند. دولت یازدهم هم شروع به حاشیه سازی های جدید می کند و احتمالاً برای انحراف اذهان عمومی:

۱. فرمان عدم اجرای اسلام به دستگاههای دیگری صادر می شود،
۲. وزرای فخمیه در بوق "پولههای کثیف" می دمند،
۳. مشاوران شاذ رئیس جمهور از ضرورت حک شیر و خورشید روی پرچم ایران صحبت می کنند،
۴. ابومشاغلای دولت با تحقیر صنعت بومی فریاد می زنند که صنعت ایران "آبگوشت بز باشی" بیش نیست،
۵. سیاستمداران دولتی سخن از "سیاست خارجی حافظ شیرازی" می گویند،
۶. علی آقا در سریالهای استانی از "شکستن حصر" می گوید،
۷. اون یکی علی آقا سریال جدید "جلسات غیر علنی" می سازد،
۸. از به سقف خوردن "اعتدال" و "تدبیر" حکایتها روایت می شود،
۹. به ادبیات مسئولین عبارات شاذ جدیدی به عبارات "کم سواد"، "بز دل"، "به جهنم"، "تازه به دوران رسیده"، "بی قانون"، "بی دین"،

«حسود»، «افراطی»، «کاسب تحریم»، «بی شناسنامه»، «جیب بر»، «دنیا ندیده»، «مستضعف فکری»، «بیکارند، متوهم اند، دین را نمی شناسند»، «خطای دید دارند»، «منتقدان فاسد»، «عقب مانده»، «مخلوقات ترسو و لرزان»، و ... اضافه می شود، ۱۰. و در نهایت همه دولتیان مشابه دو سال اخیر کل مشکلات را گردن دولت قبلی انداخته و پدر و مادر آنها را از قبر در آورده و فحش ها نثارشان می کنند و بازخواست می کنند که چرا "مسکن مهر مزخرف" را ایجاد کردید و چرا «خود کفائی مزخرف» را فرهنگ نمودید؟

۱۱. ، ولی ملت اذعان می کند که حق با دلواپسان بود. پس ملاحظه می شود که: چون آمریکا نمی خواهد توافق را اجرا کند، امضای توافق هر چه باشد به نفع آمریکا است. آمریکا برای اجرا نکردن توافق مذاکره می کند. صدها دلیل می توان آورد که آمریکا قصدی برای اجرای مفاد توافق نامه (هر چه باشد) ندارد. ولی امضای آن صدها نفع و سود برای آمریکا دارد. تجربیات الجزایر، سعد آباد، کمپ دیوید، لیبی و غیره همه حاکی از این ترفند ماهرانه آمریکاست.

## سالگرد آزادی شهر مقاومت ، خرمشهر ، بر تمام دانشگاهیان مبارک باد

شعر نو از: داوود علی دادی (منتظر)

اون یکی از خوشحالی  
سجده شکر جا آورد  
یکی میون دستاش  
گل و شیرینی آورد  
یکی دیگه از اون ور  
فریاد بر می آورد  
خدا خدا خرمشهر  
خرمشهر هم آزاد شد  
خلاصه یک شوری بود  
حال خیلی خوبی بود  
میون سوت و کفها  
شادابی و شوری بود  
بوی عطر و صلوات  
در همه جا عیان بود  
بوی ذغال و اسفند  
توی فضا عیان بود  
انگار که توی فضا  
بوی خدا بیان بود  
پیروزی بزرگی  
برای ما رقم خورد  
روزی که دشمنان را  
گویی سنگی به سر خورد

این همه اش همت و  
غیرت یک ملت بود  
درایت رهبر  
راسخ یک ملت بود  
با اعتقاد و ایمان  
دور از هوای نفسش  
فرمود آن رهبر  
خرمشهر را خدا آزاد کرد

خرمشهر را خدا آزاد کرد  
روزی که خرمشهر آزاد شد  
گویی نه یک شهر، کشور آزاد شد  
گویی تمام ملت ایران آزاد  
آزاد آزاد آزاد گشتند  
شهرها پر از شمع بود  
شوری دگر به سر بود  
درون مردم شهر  
پر از شور و شمع بود  
یکی میون مردم  
نقل و نبات می داد  
اون یکی از خوشحالی  
فریاد سر می داد  
یکی دستان خود را  
بالای سر برده بود  
انگشت پیروزی را  
بالا نشان می داد  
یکی حلقه شوقی  
دور چشاش بسته بود  
اون یکی سیلاب اشک  
از چهره اش روان بود  
یکی می گفت خدایا  
پاره تن رها شد



دکتر محمدرضا طلایی-

استادیار دانشکده مهندسی راه آهن

## عید مبعث: یک از چهار روز بزرگ تاریخ بشر



شیعیان، پاداش شصت سال عبادت قرار داده شده است.

در کتاب مفاتیح الجنان چهار روز را به عنوان روزه های بزرگی در طول سال معرفی می کند که حوادث بزرگی در آنها در طول تاریخ بشر اتفاق افتاده و این چهار روز در کل سال در روایات ممتاز به روزه مستحبی شده اند و ثواب روزه مستحبی در این روزها برابر روزه ۶۰ سال عنوان شده است. این روزها عبارتند از:

دحو الارض (۲۵ ذیقعد)، که روز پهن شدن زمین از زیر خانه کعبه در ابتدای پیدایش و روز تولد حضرت ابراهیم و حضرت عیسی (علیهم السلام) و در روایتی روز قیام قائم خواهد بود.

عید غدیر (۱۸ ذی الحجه)، این روز بزرگ که مفتخر به وصایت امیر المومنین است در طول تاریخ شاهد حوادث بزرگی بوده است که از جمله آنکه این روز روزی است که کشتی نوح(ع) بر زمین نشست، آتش بر ابراهیم(ع) سرد شد، روز پیروز

های سال مداومت داشته اند و زندگی خود را بر اساس اعمال عبادی معمولاً با آغاز از ماه رجب تنظیم می کردند. لذا شایسته است بر اساس این روال جاری در زندگی بزرگان، ما نیز کمی از روزمره گی های زندگی خارج شده و با توجه و تذکر گرفتن از ایام بزرگ سال دل را بیشتر به پروردگار خود متوجه و متصل نماییم.

عید مبعث یکی از بزرگترین اعیاد مسلمین و روز بسیار شریفی است که شاید حادثه ای بزرگتر از آن در تاریخ اتفاق نیفتاده است. زیرا در سرنوشت انسان هیچ روزی حادثه ای به این بزرگی در خود نداشته که لطف پروردگار شامل حال او شده و حلقه آخر ارتباطی بین او و معبود کامل گردیده است. در حدیثی از امام جواد (ع) می خوانیم که در ماه رجب شبی است که از هر آنچه خورشید بر آن می تابد در آن خیر بیشتری نهفته است. آن شب ۲۷ رجب است که در صبح آن پیامبر به رسالت برانگیخته شده و بر عامل به عبادت در آن از

خداوند در دوره خلقت بشر حوادث جلوه ها و نمایش های بزرگی از عظمت و بزرگی خود را به جهت هدایت انسان ها نمایش داده است و برای یادآوری این روزها دستور به بزرگداشت و پاسداشت آنها داده و ثواب و پاداش فراوانی برای عاملین در این روزها در نظر گرفته است. در سوره ابراهیم آیه ۵ به حضرت موسی (ع) دستور می دهد که مردم را به بزرگداشت ایام الله تذکر دهد:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

((در حقیقت موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعاً در این [یادآوری] برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرتهاست))

لذا بر این اساس علمای بزرگ از قدیم بر اعمال و ذکر های روزها و مناسبت

# صلوات و اعمال اللهم صل علی محمد و آل محمد



می‌گویند «لا اله الا الله مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ الله عَلَیْ وَلَیَّ اللهُ» و این امری مشهور است. البته من خودم آن شب را در آنجا درک نکردم لکن از افرادی ثقه که بر سخن اعتماد داشتم، شنیدم و نیز در مدرسه‌ای که مهمانخانه آن حضرت است، دیدم سه نفر زمین گیر که قادر بر حرکت نبودند یکی از اهل روم و دیگری از اهل اصفهان و سومی از اهل خراسان بود از آنها پرسیدم چگونه شما خوب نشده‌اید و اینجا مانده‌اید؟ گفتند ما به شب بیست و هفتم نرسیده‌ایم و همین جا مانده‌ایم تا شب بیست و هفتم سال آینده که شفا بگیریم. شیخ عباس در مفاتیح الجنان می‌گوید مبادا استبعاد کنی این مطلب را چرا که معجزات و کرامات بسیاری از این مشاهد مشرفه بروز کرده و به تواتر رسیده و قابل شمارش نیست.

به امید یوم الله بزرگ ظهور حضرت حجت (علیه السلام)

منبع: مفاتیح الجنان- اعمال مناسبتها

خود از مکه معظمه به نجف اشرف در روزه و قبر مبارک مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام را ذکر کرده است و گفته:

اهل این شهر تمامی رافضی (شیعه) هستند و از برای این روزه مبارکه کراماتی ظاهر شده از جمله آن که در شب بیست و هفتم ماه رجب که نام آن شب نزد اهل آنجا " لَيْلَةُ الْمُحْيَا " است که از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم هر شل و مفلوچ و زمینگیری که هست، در آنجا جمع می‌شوند. این مبتلایان را نزد ضریح مقدس می‌برند و مردم منتظر خوب شدن و برخاستن آنها می‌شوند. بعضی ذکر می‌گویند و بعضی قرآن تلاوت می‌کنند و بعضی تماشای روزه می‌کنند تا آن که نصف یا دو ثلث از شب بگذرد. آن وقت جمیع این مبتلایان و زمینگیران که نمی‌توانستند حرکت بکنند برمی‌خیزند در حالی که صحیح و تندرست می‌باشند و بیماری در آنها دیده نمی‌شود آنها در آن حال

شدن حضرت موسی (ع) بر ساحران، و وصایت شمعون از حضرت عیسی (ع) و یوشع از حضرت موسی (ع) و آصف بن برخیا از حضرت سلیمان (ع) است

میلاد پیامبر اکرم (ص) (۱۷ ربیع الاول) که روز در هم کوبیده شدن کاخ‌ها و نمادهای بزرگ شرک و بت پرستی در جهان آن دوره است و عید مبعث (۲۷ رجب)، روز نبوت و رسالت حضرت خاتم (ص) و روز هدایت بشر است

در شب روز عید مبعث اعمال فراوانی ذکر شده است که از جمله آن می‌توان به غسل، نماز مخصوص شب نیمه رجب، دعاهای وارد شده و زیارت امیر المومنین اشاره نمود. روایت شده است که ابو عبدالله محمد بن بطوطه از جهان گردان و شرق شناسان و یکی از علماء اهل تسنن است و در ششصد سال پیش از این زمان زندگی می‌کرده است در سفرنامه خود که معروف است به "رحله ابن بطوطه" داستان ورود



## وقتی خدا اطاعت می کند... (بزرگداشت ماه های رجب و شعبان)

همیشه لحظه شماری می کردم برای اینکه آخرین جلسه قبل ماه رجب فرا برسد. چون هر سال در این جلسه، وقتی صحبت‌هایش درباره موضوع مورد بحث تمام می شد، برای چند دقیقه آخر به فرا رسیدن ماه رجب و شعبان اشاره می کرد و در حالی که لحن صحبت‌هایش عوض شده بود، برای بهره گیری از برکات عظیم این ماه تذکراتی می داد. از جمله تلاش برای اصلاح و تهذیب خلقیاتی که مانع بهره گیری از ماه مبارک رمضان می شد. مثل همیشه به تداوم ذکر «اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» در این ماه تأکید می کرد و می گفت بزرگداشت این ماه، اختصاصی به اسلام ندارد؛  
آنطور که دیدم، در زمان جاهلیت، مردم به انتظار ماه رجب می نشستند تا حاجاتشان را از روی همان عقیده‌ای که

داشتند در این ماه طلب کنند. عقیده آنها این بود که اگر در ماه رجب، حاجات خود را طلب کنند، به اجابت می رسد. در زمان جاهلیت که از اسلام خبر نبود، ماه رجب در بین مردم چنین سابقه‌ای داشته است.  
خیلی بر مداومت به دعاهای این ماه تأکید می کرد و جمله جمله دعای «خَابَ الْوَاقِدُونَ عَلٰی غَيْرِكَ» را می خواند و توضیح می داد. می گفت: این ماه، ماه گرفتن حاجت‌هاست و در این زمینه به دعای «يَا مَنْ يَمْلِكُ خَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَ يَعْزِمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ» در بعد از هر نماز، اشاره می کرد. و من فکر می کردم چرا در تمام مساجد و نمازهای ما، تنها و تنها دعای «يَا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ شَيْءٍ» تکرار می شود و همه جا مردم را از دیگر دعاهای زیبا و پر مغز دیگر این ماه محروم می کنند!  
بعد شروع می کرد به نصیحت کردن.

جملاتی از این دست که: دوستان! از این فرصت استفاده کنید؛ خوب استفاده کنید. می گفت: «این همه سفارش به استفاده از موقعیت‌های زمانی و مکانی برای این است که خدا نمی خواهد ما را به جهنم ببرد. ما خودمان هستیم که بد می کنیم. لذا به دوستان سفارش می کنم از ماه رجب غفلت نکنید؛ زیاد استغفار کنید. اینهاست که انسان را تطهیر می کند و ما را از آن عذاب‌هایی که این جسمها طاقتش را ندارد، دور می کند». اینجا بود که صدای گریه از همه جای مجلس بلند می شد و بعد در میان نصیحت‌هایش خودش هم می زد زیر گریه ...  
خودش یک بار از درس اخلاق استادش امام خمینی گفته بود که آنچه امام می گفت عمدتاً همان چیزهایی بود که ما خودمان خوانده بودیم یا شاید از دیگران هم شنیده بودیم، اما وقتی از





زبان این مرد بیرون می‌آمد تمام جلسه تکان می‌خورد و هیچ کس نمی‌توانست جلوی گریه‌هایش را بگیرد. حالا شده بود حکایت خود حاج آقا مجتبی تهرانی (ره) که همان حرفها یا حدیثهایی را که بارها خوانده یا شنیده بودیم را تکرار می‌کرد اما وقتی از زبان او می‌شنیدیم گویی برای اولین بار است که می‌شنویم و تکان می‌خوریم.

باز ادامه می‌داد: «خداوند می‌خواهد رابطه بین او و بنده‌اش و این رابطه قطع نشود. اگر از ناحیه بنده خطای عملی سرزده و اگر از نظر معرفتی جاهل است، هر چه که باشد، اینها مانع نشود که این رابطه قطع شود. اصلاً بزرگی و کرامت او اقتضا می‌کند که نگذارد این رابطه قطع شود؛ لذا به پیغمبرش هم همین را امر می‌کند و می‌گوید: تو موجودی هستی که باید همان روش که من با بندگانم دارم داشته باشی؛ یعنی خداگونه عمل کنی. یعنی ای پیامبر! تو باید از بندگان خدا دستگیری کنی و دست رد به سینه کسی نزنی! این روش، روش من است.

این روش، روش الهی است. این روش را مؤمن هم باید در آداب معاشرتی‌اش حفظ کند. به یک معنا «طرد» در آداب معاشرت اسلامی وجود ندارد. طرد کردن، نادر است؛ هر چه هست دستگیری است. اگر خطای عملی است، باید اغماض شود و اگر خطا از نظر درونی و عدم کشش است، آن هم باید اغماض شود؛ برای اینکه دستگیری و به صراط مستقیم هدایت شوند».

بعد اضافه می‌کرد: خدایی که به پیغمبرش می‌فرماید که دیگران و خطاکاران را طرد نکن و این کار جزو ادب اسلامی نیست، آیا ممکن است خودش ما را به خاطر اشتباهاتمان طرد کند؟ حاج آقا هر سال در این شب، به حدیث مشهور «داعی» اشاره می‌کرد که همان فرشته‌ای است که پیغمبر اکرم «ص» در روایتی می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِقَةِ مَلَكًا»؛ خداوند در آسمان هفتم فرشته‌ای نصب فرموده است که «يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي»؛ به او «داعی» گفته می‌شود.

«فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ»؛ پس هنگامی که ماه رجب وارد می‌شود، این فرشته هر شب تا به صبح ندا می‌دهد: «طوبى لِلذَّاكِرِينَ، طوبى لِلطَّائِعِينَ»؛ خوشا به حال اهل ذکر! خوشا به حال اهل طاعت!

«وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى»؛ این ملک می‌گوید: ای مردم! امشب خدا می‌گوید: «أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي»؛ من همنشین کسی هستم که با من همنشین باشد، «وَمُطِيعٌ مَنْ اطَاعَنِي»؛ (چه تعبیر عجیبی!) من از کسی که از من اطاعت کند، اطاعت می‌کنم. یعنی هر چه بخواهی به تو می‌دهم.

«وَأَغْفِرُ مَنْ اسْتَعْفَرَنِي»؛ هر که از من طلب غفران و بخشش کند، او را می‌آمرزم. «أَلَشَّهْرُ شَهْرِي»؛ این ماه، ماه من است؛ ماه رجب ماه خداست.

«وَالرَّحْمَةُ رُحْمَتِي»؛ رحمت، رحمت من است؛ رحمت من فراگیر است.

«فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ»؛ هر که در این ماه مرا بخواند، جوابش را می‌دهم.

«وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ»؛ و هر کس در این ماه از من چیزی درخواست کند، به او عطا می‌کنم.

«وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ»؛ هر کس از من هدایت بخواهد، هدایتش می‌کنم.

«وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي»؛ این ماه را ریسمانی بین خود و بنده‌ام قرار دادم.

«فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ»؛ چه تعبیر بالایی است! اگر کسی در ماه رجب به این حبل و ریسمان اعتصام پیدا کند، به من خواهد رسید.

راستش من احساس می‌کردم درست از ابتدای ماه رجب، لحن و ادبیات حاج آقا مجتبی گرایش عجیبی به سمت «امید» و «رجا» پیدا می‌کرد و این لحن و این ادبیات همین طور ادامه و افزایش پیدا می‌کرد تا اینکه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و شب قدر سوم، به اوج خودش می‌رسید...





# یزید آخرالزمان (کاوشی در شباهت‌هاک یزید و سفیان)



پدیدآورنده: محمد مهدی صمصامی

به او خواهیم داد... آگاه باشید آنروز فقط زنازادگان بر شما حکومت می‌کنند (۳) دین یزید اگرچه در ظاهر مسلمان بود اما براساس تعلیمات مسیحیت پرورش یافته و به مسیحیت تمایل داشت یزید از طرف مادر از قبیله بنی کلب بود که پیش از اسلام مسیحی بودند و حال و هوای دوران مسیحیت در سر آنان بود و یزید تا زمان جوانی در این قبیله نزد دایی‌های خود در بادیه پرورش یافت از این‌رو بیش از آن‌که تربیت او اسلامی باشد تربیت مسیحی داشت.

درباره دین سفیانی روایات مختلفی وارد شده که دسته‌ای از آنها به مسیحی بودن سفیانی تصریح دارند. امام علی ع در این‌باره فرموده‌اند:... و خروج سفیانی با پرچمی سبز و صلیبی از طلاست دسته دیگر از روایات سفیانی را در ابتدا مسلمان می‌دانند که به نصرانیت می‌گردد. و دسته سوم روایات، دین سفیانی را اسلام معرفی کرده‌اند. در جمع‌بندی میان این روایات و آشتی میان روایات شاید بتوان گفت که سفیانی در ابتدا به ظاهر مسلمان است و در نهایت به آیین

نیز بر طبق روایات از نسل ابوسفیان و همسرش هند جگر خوار می‌باشد. امام صادق ع فرمودند: ما و اولاد ابوسفیانی افراد دو خانواده هستیم دشمنی ما به هم در راه خدا است ما می‌گوئیم خدا راست گفته و آنها می‌گویند خدا دروغ گفته است ابوسفیان با پیامبر ۹ جنگید و معاویه با علی بن ابی‌طالب ع پیکار نمود و یزید با حسین علی ع جنگید و او را به شهادت رسانید و سفیانی هم با قائم آل محمد ع خواهد جنگید [۲]

(۲) ناپاکی ولادت (زنازاده بودن)

امام حسین ع در سخنانی که در برابر سپاه عمر سعد ایراد کردند در این رابطه فرمودند: هان بهوش باشید که این (یزید) ناپاک‌زاده فرزند ناپاک‌زاده مرا در میان دو انتخاب قرار داده است کشته شدن یا قبول ذلت و چقدر دور است که ما تن به ذلت دهیم [۳].

در ارتباط با سفیانی نیز عمر بن ابان کلبی از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمود گویا سفیانی (راوی می‌گوید یا رفیق سفیانی) در کوفه شهر شما فرود آمده از جانب او صدا می‌زند هر کس یک نفر از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم

در این عالم به جهت نظمی که خداوند متعال در آن قرار داده است بین همه اجزاء و افراد، ارتباط و پیوند تنگاتنگی وجود دارد که اساسی‌ترین پیوند میان ذوات مقدس معصومین ع با تمام هستی از ابتدای خلقت تا پایان تاریخ است و در این میان، ارتباط ناگسستنی امام حسین ع و حضرت مهدی عج ارتباطی پرمعناست میان این دو امام راز و رمزی است که یاد و نام آنان را همیشه در کنار هم نگه داشته است. [۱]

و آنچه باعث پیوند و ارتباط بیشتر این دو امام بزرگوار می‌گردد، شباهت عجیب بین دشمنان این دو امام همام است تشابه میان یزید به عنوان چهره شاخص دشمنان امام حسین ع و سفیانی یکی از دشمنان سرسخت امام زمان ع به همین جهت این مقاله سعی شده است به شباهت‌های میان یزید و سفیانی پرداخته شود و شباهت‌های شخصی و رفتاری این دو در حد امکان بیان گردد.

(۱) نسب

همانطور که جد یزید ابوسفیان و جدش هند جگر خوار محسوب می‌شد سفیانی

## باسپاهی از شمشیردانان خواهد آمد



سفیانی نیز امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: به خدا سپاه سفیانی به جنایات خود ادامه می‌دهد تا هیچ حرامی نماند جز اینکه حلالش بشمارند، هیچ پیمانی نماند جز اینکه نقض کنند. هیچ خانه‌ای از خشت رخام تا سنگ خام باقی نباشد جز اینکه دامنه ظلم و ستمشان در آن وارد شود [۱۲].

(۷) حمله به مدینه پس از حادثه خونین کربلا و آگاهی مردم از ماهیت یزید و پلیدی و خبائثت وی، قیام و جهاد در مدینه آغاز شد مردم والی مدینه را بیرون کردند و یزید را از خلافت خلع کرده [۱۳]. و گفتند کسی که قاتل اولاد رسول خدا (ص) و ناکج محارم و تارک صلوة و شارب خمر است لیاقت خلافت ندارد [۱۴]. یزید که از ماجرا مطلع شد لشکر عظیمی فراهم ساخت و فرماندهی آن را به عهده مردی خونریز به نام «مسلم بن عقبه» گذاشت. وی حرمت قبر مطهر رسول خدا (ص) را نگه نداشتند و با اسبان خود داخل روضه منوره شدند و مردمی که به قبر مطهر رسول خدا (ص) پناه آورده بودند کشتند تا روضه مسجد پر از خون شد و تا قبر

(ع) فرمودند... سفیانی و پیروانش خروج می‌کنند و قصدی جز کشتن و آزار اولاد پیغمبر (ص) و شیعیان آنها را ندارد [۹]. کینه و دشمنی سفیانی نسبت به شیعیان به حدی است که عمر بن ابان کعبی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمود گویا سفیانی (راوی می‌گوید یا فرمود رفیق سفیانی) در کوفه شهر شما فرود آمده و از جانب او صدا می‌زند هرکس یک نفر از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم به او خواهیم داد کار به آنجا می‌رسد که همسایه همسایه را می‌گیرد و می‌گوید این از شیعیان علی است. سپس گردن او را می‌زند و هزار در هم می‌گیرد [۱۰].

(۶) اباحه‌گری و تکلیف‌گریزی قاضی نعمان مصری می‌نویسد: روزی رسول خدا (ص) به معاویه نظر افکند و فرمود: امت من چه روز (سختی) از تو خواهد داشت؟ و خاندان من از فرزندی که از صلب تو خارج می‌شود روز بدی را در پیش دارد! همان فرزندی که آیات خدا را به استهزا می‌گیرد و آنچه را خداوند از حریم من حرام کرده، وی حلال می‌شمارد [۱۱] و در ارتباط با

مسیحیت می‌گردد انگیزه این گرایش می‌تواند بهره‌گیری از امکانات غرب در رویارویی با حرکت امام مهدی ع باشد [۴].

(۴) مرکز خلافت

همان‌گونه که شام مرکز خلافت یزید بوده است روایات مکان قیام سفیانی را نیز از سرزمین شام می‌داند امام علی ع فرموده‌اند: سفیانی از شام خروج می‌کند پس اهل شام از او اطاعت می‌کنند [۵] (دشمنی و کینه نسبت به اولاد پیامبر (ص) و شیعیان

در این رابطه نقل شده وقتی که سرهای مقدس شهیدان کربلا را وارد مجلس یزید ساختند یزید در حالی که با چوب دستی خود بر لب و دندان امام حسین ع می‌زد این اشعار را می‌خواند... کاش بزرگان من که در جنگ بدر کشته شده بودند امروز می‌دیدند که قبیله خزرج چگونه از ضربات نیزه به زاری آمده است [۶]... من از فرزندان خندف نیستم [۷] اگر از فرزندان احمد (رسول اکرم) انتقام بگیرم [۸]

درباره سفیانی نیز در این رابطه جابر جعفری روایت می‌کند که امام باقر



مدینه پایان یافت [۱۸]. سفیانی هم بمثابه یزید با وجود آنکه از آغاز قیام او تا کشته شدن بیشتر از ۱۵ ماه طول نمی کشد اما جنایات زیادی در این مدت کم انجام می دهد امیرالمومنین (ع) در این باره فرمودند به خدا سپاه سفیانی به جنایات خود ادامه می دهد تا هیچ حرامی نماند جز اینکه حلالش بشمارند هیچ پیمانی نماند جز اینکه نقض کنند، هیچ خانه ای از خشت خام تا سنگ رخام باقی نباشد جز اینکه دامنه ظلم و ستمشان در آن وارد شود و مردم در اثر سوء تدبیر و کشورداری آنان دستخوش اضطراب و ناامنی شوند همه مردم اشک حسرت بریزند یک دسته برای تباه شدن دینشان و دسته ای دیگر برای تباه شدن دنیایشان [۱۹].

- [۱] محمدرضا فوادیان فرات تا فرات، دفتر اول، ص ۸۳.
- [۲] عبدالعلی محمدی شاهرودی، ترجمه معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۱۰، باب ۳۹۲.
- [۳] سعید داودی و مهدی رستم نژاد، عاشورا ریشه ها، انگیزه ها رویدادها، پیامدها، ص ۴۲۳.

بن العاص با لشکر سنگینی به فرمان یزید وارد مکه شد تا با حسین بن علی ع بجنگد و اگر دست یافت آن حضرت را شهید نماید [۱۶]. امام به برادر خود محمد حنفیه فرمود برادر من بیم از آن دارم که یزید خونم را در حرم (امن خدا) بریزد و بدین سبب حرمت این خانه شکسته شود [۱۷].

سفیانی نیز بعد از آنکه مطلع می شود که حضرت مهدی ع به مکه رفته است سپاهی را برای دستگیری ایشان می فرستد اما سپاه سفیانی هرگز موفق نمی شوند داخل مکه شوند و در سرزمین پیدا به زمین فرو می روند.

۹) جنایات بزرگ در مدت کم یزید در مدت کوتاه خلافت خونین که سه سال و چند ماه بیشتر طول نکشید جنایات بزرگی مرتکب شد. از میان آنها سه جنایت مهم او فاجعه خونین کربلا، کشتار وسیع مردم مدینه، و آتش زدن کعبه بود. ذهبی در معرفی یزید می نویسد یزید ناصبی، خشن، تندخو و بی ادب بود مسکرات می نوشید و مرتکب منکرات می شود. دولت وی با شهادت امام حسین (ع) آغاز و با واقعه حره در

رسول خدا (ص) رسید. در این فاجعه از بزرگان مهاجر و انصار هزار و هفتصد تن و از سایر مسلمین ده هزار تن به قتل رسیدند.

نظیر آنچه لشکر یزید در حمله به مدینه در فاجعه حره انجام دادند برای سپاه سفیانی نیز در روایات نقل شده است سفیانی پس از حمله به کوفه و تصرف آن از حضور امام مهدی (عج) در مدینه مطلع می شود. از این رو برای دستگیری آن حضرت سپاهی را به سمت مدینه گسیل می دارد سپاه سفیانی برای دستگیری و کشتن حضرت عده زیادی را دستگیر می کند و به قتل می رساند امام علی (ع) در این باره می فرماید: ... سفیانی سپاهی را به مدینه گسیل می دارد و آن ها کسانی از خاندان پیامبر (ص) بتوانند دستگیر می کنند و از بنی هاشم مردان و زنان فراوانی را می کشند. در این هنگام مهدی و مبیض به سمت مکه می روند [۱۵].

۸) امام ستیزی (قصد کشتن امام در حرم امن الهی) سید الشهداء (ع) روز هشتم ذی الحجه از مکه بیرون آمد زیرا عمرو بن سعید



## صراط مستقیم

محمد خلیج امیرحسینی  
عضو هیئت علمی  
دانشگاه علم و صنعت ایران

آیین ابراهیم که از آیینهای خرافی روی برگرداند و از مشرکان نبود. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَيِّمًا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (الأنعام/۶)». صراط مستقیم به لحاظ عملی همان صرفاً عبادت خداوند متعال است، إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (ال عمران/۵۱) - مريم/۳۶ - الزخرف/۶۴، وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس/۶۱).

برای صراط مستقیم الگوهای اثباتی و نفی معرفتی شده‌اند. کسانی که در صراط مستقیم قدم برمی‌دارند و در واقع صراط مستقیم همان صراط آنها است، کسانی هستند که خداوند به آنها نعمت داده است، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ. البته این پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین هستند که خداوند به آنها نعمت داده است. وَ مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (النساء/۶۹). کسانی که قطعاً از صراط مستقیم دور هستند، گمراهان و مغضوبین الهی هستند، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ. مغضوبین الهی هم در یک نگاه کلی، کافران لجوج، مشرکین و منافقین هستند. وَ لَكِنْ مِنْ شَرِّ الْكُفْرِ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ (النحل/۱۰۶)، "آنهايي که سينه خود را برای کفر گسترده ساختند غضب پروردگار بر آنها است." و

“ هر روز مکلفیم ده بار بگوییم خدایا از تو استعانت می‌جوییم، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. مهمترین استعانت درخواست هدایت است که هر روز مکلفیم ده بار بگوییم خدایا ما را به "صراط مستقیم" هدایت کن، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. صراط مستقیم همواره بصورت مفرد آمده است و بنابراین یکی بیشتر نیست و اینکه بعضی روشنفکرانها صحبت از بسیار بودن آن می‌کنند سخنی ناصواب و گزاف است و آن راهها کجراهه هستند. وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (الانعام/۱۵۳)، "این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!".

صراط مستقیم به لحاظ عقیدتی همان دین حنیف ابراهیمی یا دین اسلام است آنجا که خداوند به حضرت رسول (ص) می‌فرماید: بگو: «پروردگام مرا به راه راست هدایت کرده آیینی پابرجا،

[۴] نصرت الله آیتی، تأملی در نشانه‌های ظهور، ص ۱۴۰-۱۳۸.

[۵] الغیبه نعمانی، باب ۸، ح ۱۴، ص ۳۱۶.

[۶] این بیت از ابیات عبدالله بن زبیری از دشمنان رسول خدا (ص) است وی اشعاری را پس از جنگ احد و کشته شدن یاران رسول خدا (ص) سرود و در آن آرزو کرد که کاش کشتگان ما در جنگ بدر امروز بودند و می‌دیدند که قبیلہ خزرج چگونه زاری می‌کنند یزید از بیت استفاده کرد و بقیه را خود سرود.

[۷] خندف لقب همسر الیاس بن مزار بن نزار است که نامش دیلانبت حلدان است فرزند الیاس را به نام همسرش فرزندان خندف نامیدند بنابراین خندف از جدّه‌های اعلای قریش و از جمله یزید محسوب می‌شود.

[۸] عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها رویدادها، پیامدها، ص ۱۱۲-۱۱۱.

[۹] مهدی موعود، ص ۱۰۰۱-۱۰۰۰.

[۱۰] همان، ص ۹۸۹.

[۱۱] عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها رویدادها، پیامدها، ص ۲۱۳.

[۱۲] کامل سلیمان، روزگارهائی، ترجمه علی اکبر مهدی‌پور، ص ۱۰۹۱.

[۱۳] عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها رویدادها، پیامدها، ص ۲۱۹.

[۱۴] تتمه المنتهی، ص ۳۸.

[۱۵] تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۱۶۹-۱۶۸.

[۱۶] دکتر محمد آیتی، بررسی تاریخی مدینه تا کربلا، ص ۲۳۸.

[۱۷] عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۳۵۰.

[۱۸] عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۲۲۳.

[۱۹] روزگار رهایی، ص ۱۰۹۱.





## آویشن گیاه برای تقویت معده واعصاب و هوش

۷. آویشن در درمان بیماری های ریوی، زکام، برونشیت، آسم، گریپ، سیاه سرفه و آنژین مفید بوده و خلط آور خوبی است.

۸. آویشن ترشح آب دهان، ترشح عرق و ترشح بول را زیاد می کند و از این لحاظ آن را در بیماری های مربوط مورد استفاده قرار می دهند.

۹. آویشن ترشح صفرا را زیاد می کند و آن را به جریان می اندازد، بنابراین، سلول های کبد را به کار و فعالیت وامی دارد و در این مورد اصطلاحاً می گویند کلریتیک است.

۱۰. آویشن قاعده آور (مدر طمث) است و در بانوانی تجویز می شود که قاعده آنان بند آمده است، یا اینکه ترشحات سفید در آنها دیده می شود.

۱۱. آویشن به علت وجود تیمول که در آن است یک ضد عفونی و ضد انگل قوی است و انواع کرم های روده از قبیل تریکوسفال آنکیلوستوم و اکسیور (کرمک) را می کشد و علاوه بر کشتن کرم ها، تخم کرم را نیز از بین می برد.

۱۲. از آویشن، اسانسی می گیرند که مسکن بسیار خوبی برای درمان دردها است و این اسانس را در ترکیب بم ترانکیل و بم اپودلدوک که پمادهای مسکن خیلی مؤثری هستند، داخل کرده و به طور

“ آویشن یکی از گرانبهاترین گیاهان دارویی روی زمین است، زیرا مواد گوناگون و فوق العاده مؤثری در آن وجود دارد که بدون اغراق به اندازه مجموعه داروهای یک داروخانه در وجود آدمی تأثیر و در درمان بیماری های مختلف اعجاز می کند. خواص دارویی آویشن را چنین گفته اند:

۱. آویشن مقوی معده و اعصاب است؛ به علت عطر و طعم مطبوعی که دارد، یک داروی اشتهاآور و هاضم غذا است.

۲. آویشن یک داروی ضد تشنج (آنتی اسپاسمودیک) است و تعداد زیادی از بیماری های مختلف که ظاهراً هیچ گونه شباهتی با یکدیگر ندارند و همه آن ها به علت تشنج رگها و ماهیچه های صاف و مجاری داخلی بدن بروز می کنند را معالجه می کند.

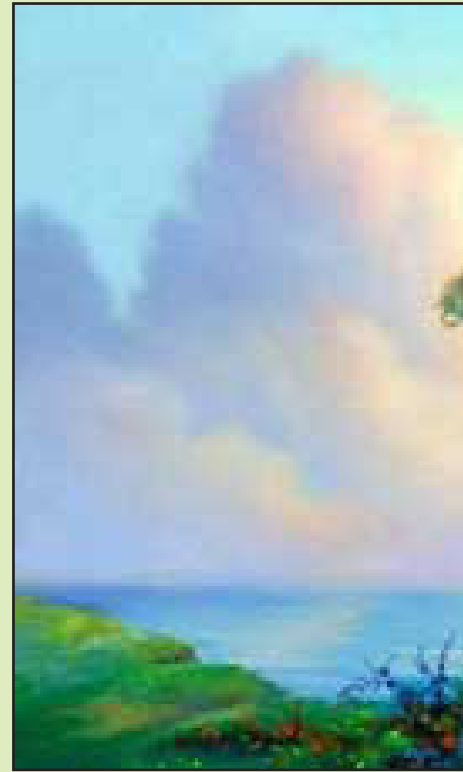
۳. آویشن گازهای روده ها را جذب کرده و از بین برده و در درمان نفخ معده و روده ها مؤثر است.

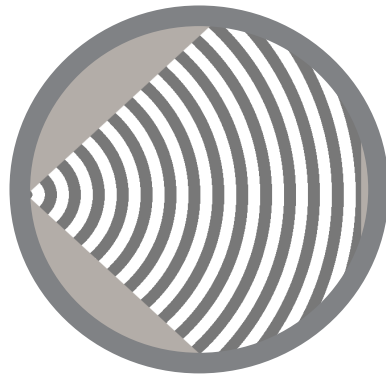
۴. آویشن گردش خون را تحریک و جریان آن را منظم می کند.

۵. آویشن هوش و قوه ادراک را زیاد می کند.

۶. آویشن اعمال اعضای جنسی را در بدن تحریک و تقویت می کند.

يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ (فتح/۶)، "خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک و آنها را که درباره خدا گمان بد می برند مورد غضب خویش قرار می دهد، و آنها را لعن می کند، و از رحمت خویش دور می سازد، و جهنم را برای آنان آماده ساخته است." باید دقت داشت که حرکت در صراط مستقیم سخت است چون شیطان گفته است در مسیر آن می نشیند و کمین می کند، قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (الاعراف/۱۶). از طرف دیگر، خداوند هم هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می کند، ... وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقرة/۲۱۳ و النور/۲۳). البته خواستن خداوند مطابق حکمت است. او مشخصات و الگوهای صراط مستقیم را بیان نموده است و هر که را که به او و دینش ایمان واقعی بیاورد و به او تمسک بجوید، به صراط مستقیم هدایت می کند. ... وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (الحج/۵۴) و ... وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدَىٰ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آل عمران/۱۰۱). در یک کلام می توان چنین گفت که: برای اطمینان از حرکت در صراط مستقیم باید از خداوند متعال استعانت بجویم، به او تمسک بجویم، او را عبادت کنیم، به او و دین او ایمان بیاوریم و اولیاء و شهدای الهی را سرمشق خود قرار دهیم.





## اخبار



موضعی آن را استعمال می کنند (به پوست بدن می مالند).

۱۳. شستن سر با جوشانده غلیظ آویشن (ده گرم آویشن را در صد گرم آب جوشانیده، صاف کرده به کار برند) موجب جلوگیری از ریزش موی سر و تقویت پیازهای آن می شود و اگر به آن مداومت کنند موی سر را می رویند.

۱۴. از همه این خواص مهم تر، خاصیتی است که در رأس همه قرار دارد و آن وجود آنتی بیوتیک های قوی در آن است. در کتاب مفردات پزشکی در این باره صریحا آمده است: «آویشن ضد باکتری و ضد عفونی کننده قوی است»، هم چنین «دارای خواص ضد عفونی کننده خیلی قوی است»، به همین دلیل آن را مثل آنتی بیوتیک ها در بیماری های میکروبی و عفونت های داخلی بدن (به طور جوشانده یا دم کرده) تجویز می کنند.

در باره آویشن تحفه حکیم مؤمن می نویسد: «و چون شب وقت خواب مقدار یک مثقال آن را بخورند و بخوابند و مداومت بر آن نمایند ذهن را تقویت بخشد و رنگ رو را نیکو گرداند.» و در جای دیگر می نویسد: «آویشن مبهی (برانگیزنده قوای جنسی) است» هم چنین آشامیدن جوشانده آن با مقدار مساوی با عناب برای تصفیه خون مفید است.»

لوران انجام پذیرد. چند نفر از اساتید به عنوان مخالف اعلام آمادگی کردند ولی هر چه تلاش شد هیچکس اعلام آمادگی به عنوان موافق نکرد. فلذا جلسه مناظره تبدیل به جلسه پرسش و پاسخ با آقای محمدی کارشناس هسته ای شد. قبلا هم دعوت به مناظره فرهنگی از طرف معاون سابق فرهنگی بی پاسخ ماند. واقعا چرا؟!!

### مغالطه و سفسطه یک حقو قدان

به نظر می رسد هرگاه دولت توفیقی در حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی نمی یابد و آمریکا هم دشمنی خود را بیشتر به رخ می کشد، جناب آقای روحانی متوسل به طرح موضوعاتی پنداری و جملاتی بلاموضوع می شوند تا برای مدتی جامعه به آنها مشغول شوند. مثلا به یک باره می گویند: «نمی توان مردم را با زور و شلاق به بهشت برد.» اخیرا هم گفتند: «هیچ پلیسی نمی تواند بگوید من این کار را کردم چون خدا گفته است.» یا اینکه گفتند: «نمی توان به کسی که دستبند و کلت دارد، گفت، اجتهاد کن.» اگر شخصی نامطلع در خارج

### درگذشت همکار عزیزمان

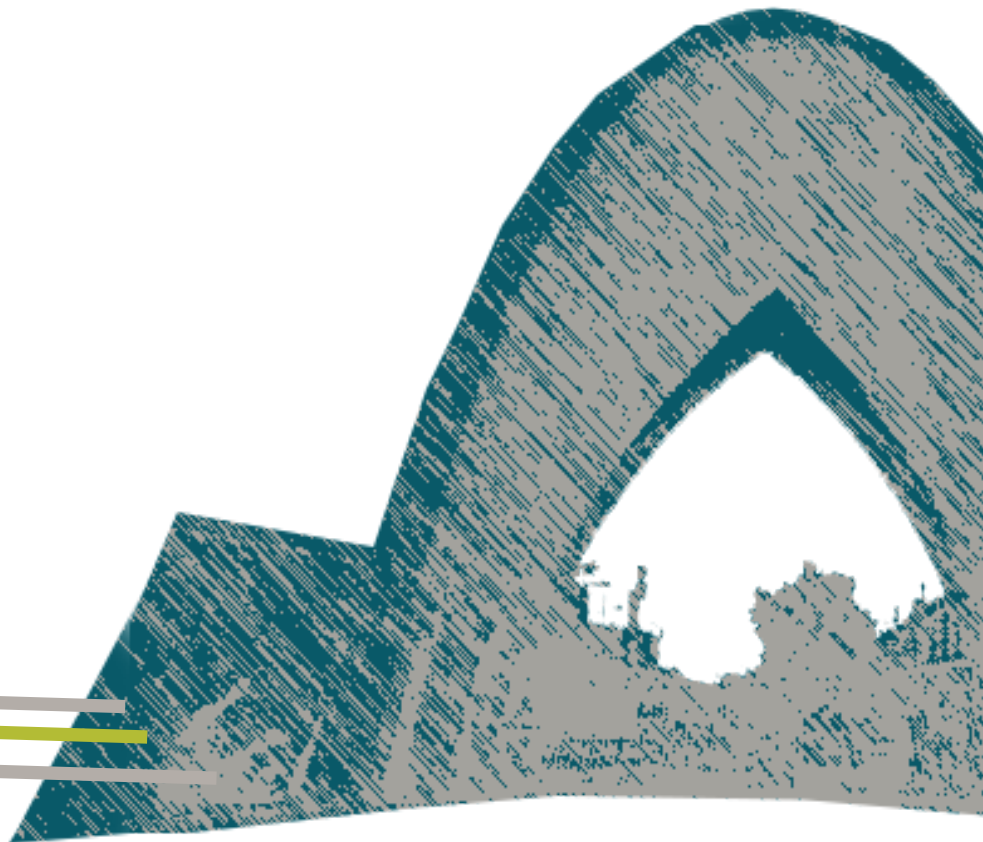
با کمال تاسف خبر درگذشت همکارمان سرکار خانم جذبی را شنیدیم. ایشان استادی صدیق، دلسوز و پرکار بودند و درگذشتشان ضایعه ای بزرگ برای جامعه علمی کشور بخصوص دانشگاه علم و صنعت ایران است. از خداوند متعال آمرزش و رضایش را برای ایشان مسئلت داریم. برای شادی روحشان فاتحه مع الصلوات.

### محکومیت رژیم صهیونیستی

تجمع باشکوهی توسط نمازگزاران مسجدالشهدای دانشگاه در روز نکبت (تاسیس رژیم صهیونیستی) اطراف مقبره الشهداء برگزار گردید. در این مراسم رژیم صهیونیستی و حامیان غربی و عربی آن بویژه آمریکا و آل سعود محکوم شدند. در این مراسم آیت ... حمیدی به ایراد سخنانی کوتاه پرداختند.

### مناظره هسته ای هم انجام نشد

چند هفته پیش قرار بود از طرف دفتر هم اندیشی دانشگاهی مناظره ای بین اساتید موافق و مخالف توافق



باصطلاح اصلاحات دارند، مقابل در ساختمان ریاست دانشگاه تجمع می‌کنند. در اقدامی لایه غیرهماهنگ و اتفاقی، پنج نفر از اساتید (هتاک دوم، یکی از اصحاب فتنه بازگشت داده شده، یکی از مدیران قبلی که رئیس نهضت آزادی را به دانشگاه دعوت نمود، مسئول یک تشکل غیر قانونی و یک نفر دیگر که معروف به حضور زیر ده ساعت در هفته در دانشگاه است)، به جمع تجمع کنندگان می‌پیوندند. این پنج نفر در اقدامی لایه غیرهماهنگ و اتفاقی، بلافاصله موفق به داشتن جلسه با ریاست دانشگاه می‌شوند. آنها پس از جلسه، در جمع افراد حاضر می‌شوند و قول‌های مساعد و البته راهکارهایی را به آنها برای رسیدن به خواسته‌هایشان می‌دهند. معمولا دانشجویان مستقل خودشان بلد هستند مطالبات قانونی خودشان را مطرح و مطالبه کنند. حال سوال این است که ورود و دخالت اینچنینی چنین افرادی در کسوت استادی به فضای دانشجویی آیا معنای خاصی

### جدیدترین لقب منتقدان

جناب آقای دکتر روحانی در اردیبهشت ماه هم لقب جدیدی را به منتقدان خود اهداء کردند. این لقب «کم حافظه» است. ایشان این لقب را در پاسخ به مطالبه عمومی در انتشار گزاره‌برگ ایرانی دادند و گفتند ما همان روز توافق لوزان و قبل از آمریکائی‌ها آنرا منتشر کرده‌ایم!!! الحق که این لقب برخلاف لقب‌های توهین‌آمیز قبلی کمی بامزه هم است. چرا که مثل روز روشن است که این اعضای تیم مذاکره هستند که چندین بار و در طی چند هفته قبول انتشار گزاره‌برگ ایرانی را دادند ولی با سخنانی متضاد و آشفته سرانجام آن را منتشر نکردند. به هر حال لقب «راستگویان» می‌بایستی باز هم براننده دولت یازدهم باشد.

### حرکات مشکوک و هشدارآمیز

دو هفته قبل، تعداد معدودی از دانشجویان که نگران از دست دادن انجمن اسلامی هستند و مطالبات خاصی از جنس مطالبات دوران

از کشور، اینگونه سخنان را از رئیس جمهور کشورمان بشنود فکر می‌کند مثلا در ایران پلیس‌ها در چهار راه‌ها ایستاده‌اند و بعضی از رانندگان را به خاطر سرباز زدن از فرامین الهی، طبق اجتهاد خود جریمه می‌کنند و عده‌ای هم در کنار خیابان شلاق به دست به خانم‌ها می‌گویند چادر بپوشید تا به بهشت روید. حال آنکه اصلا شاید یک مورد اینچنینی هم نتوان دید یا شنید. منتظر مغالطه‌های بعدی هستیم.

### ادبیات و رفتار رضاخان

در تاریخ آمده است که رضاخان دارای رفتار و ادبیاتی خاص بود که قلدری و پرخاش از ویژگی‌های آنها بود. مدتی است که اخباری از بکارگیری اینگونه رفتار و ادبیات در بعضی جلسات تراز بالا بگوش می‌رسد. نمونه این رفتارها در اوایل انقلاب در شخص بنی‌صدر متبلور بود و البته او مبتکر و مبدع استفاده از آراء خود بعنوان چماق بر سر دیگران است.

سال اول سخت است. سعی می‌کنم هر چه زودتر دوباره این شرایط را بررسی و تجدید نظر کنم.» متأسفانه آنچه که هم‌اکنون در دانشکده‌ها در جریان است، اعمال همین شرایط برای ارزیابی اساتید است و در بعضی دانشکده‌ها از قبیل همان دانشکده فوق‌الذکر (خبر افاضات یک رئیس)، گویا از قبل تصمیمات گرفته شده‌اند.

### سیاست خارجی از نوع شاعرانه

جناب روحانی در شیراز گفتند: «ما درس اعتدال و سیاست خارجی را از حافظ و درس محبت و وحدت را از سعدی آموختیم. با دوستان مروت و با دشمنان مدارا». فارغ از آنکه آیا ایشان بخش اول این جمله را چگونه عمل نموده‌اند، باید گفت که شایسته نیست امر مهم سیاست خارجی را از شاعران (البته ارزشمند) الگو گرفت بلکه باید از آیات قرآن، روایات معصومین (ع)، قانون اساسی و بیانات مقام معظم رهبری برگرفت. بعنوان یک مثال اصل ۱۵۲ قانون اساسی می‌گوید: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» حال آنکه جناب حافظ می‌گوید: «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را - به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را!!!»

عنوان مثال از خاک آن نقطه یا دیوار نمونه‌برداری می‌کنند. دستمالی دارند که روی دیوار می‌کشند و بعد آن دستمال را مورد آزمایش قرار می‌دهند که در آنجا فعالیت هسته‌ای صورت می‌گیرد یا خیر». به نظر می‌رسد شیوه بازرسی با دستمال تنها به عنوان یک امر مفرح و جوک از طرف مقابل قابل درک باشد، خصوصاً آنکه در گزاره‌برگ آنها صحبت از ادوات پیشرفته بازرسی هم شده است و مدام بر بازرسی شدید از مراکز نظامی اصرار می‌ورزند.

### جناب آقای رئیس، الوعدۀ وفا

سال قبل، آیین‌نامه‌ای به روسای دانشکده‌ها ابلاغ شد که در آن شرایطی بسیار سخت‌گیرانه، غیرمنصفانه و بی‌سابقه برای تمدید قرارداد اساتید پیمانی در نظر گرفته شده بود. این بماند که طراحان این شرایط چه افرادی بوده‌اند و چه مقاصدی داشته‌اند و اینکه چرا از مسیر قانونی خود یعنی هیئت جذب گذشته است. موضوع در چند جلسه به ریاست محترم دانشگاه تذکر داده شد و ایشان هم قبول پیگیری و بازنگری دادند. نشریه نباء هم در مصاحبه اختصاصی و مضبوط با ایشان (شماره ۱۰، دیماه ۹۳، صفحه ۲۳)، موضوع را سوال نمود. ایشان چنین پاسخ دادند: «بله قبول دارم حق با شماست، فکر می‌کنم درست می‌گویید و این جای بازنگری دارد. به هر حال شرایط تعیین شده باید طوری باشد که شدنی و حداقلی باشد و این شرایط لااقل برای دو سه

ندارد؟ آیا دوباره قرار است همانند آن سال‌ها از فضای دانشجویی برای ایجاد جریاناتی سیاسی آن هم در سال انتخابات استفاده کرد؟ آیا این کارها به صلاح دانشگاه و آرامش و فضای علمی آن است؟ آیا نباید نگران بازگشت به آن سالهای پر تنش و ناآرام و متشنج باشیم؟

### یک سال گذشت

سال ۹۳ به ۹۴ تبدیل شد ولی همچنان خبری از فرجام رسیدگی به پرونده آن دو فرد هتاک نیست و حال آنکه آنها به فعالیتهای تشویش‌گرانه خود ادامه می‌دهند. برآستی، در کدامیک از کشورهای روی کره زمین، افرادی که مستخدم دولت آن کشور هستند به ارکان آن کشور توهین و هتاک می‌کنند و رسیدگی قانونی پرونده آنها به چنین سرنوشتی دچار می‌شود؟! شاید بد نباشد این موضوع در کتاب گینس ثبت شود.

### افاضات یک رئیس

در آخرین جلسه شورای دانشگاه، رئیس یکی از دانشکده‌ها در اقدامی مشکوک و غیراخلاقی علیه اساتید جوان دانشکده خود سخن‌پراکنی نموده است. این اقدام مورد اعتراض عمومی و خصوصی تعدادی از اعضاء شورا و تعداد زیادی از اساتید دانشگاه قرار گرفت. جالب آنکه قوت علمی اساتید جوان این دانشکده زبانزد است و اخیراً یکی از آنها با امتیاز بالائی به دانشجویی ارتقاء یافتند حال آنکه این آقای رئیس پس از بیست و اندی سال هنوز یک بار هم ارتقاء علمی نیافته‌اند و به نظر می‌رسد با توجه مسائلی، حتی در دوره ریاستشان هم به این توفیق طبیعی دست نیابند. ضمناً وی یکی از اعضای اصلی جلسات هفتگی کمیته مجعول «مدیریت در سایه» است.

### بازرس هسته‌ای بایک دستمال !!!

آقای عراقچی در پاسخ به اعتراضات عمومی در مورد توافق با بازرسی از مراکز نظامی گفتند: «بازرسان آژانس با ترتیب خاصی که نتوانند جاهای دیگر را ببینند به آن نقطه (نقطه مشکوک نظامی) برده می‌شوند. به

مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه نباء از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم به ویژه اساتید محترم استقبال می‌کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir بفرستید.



سیاست و علم و صنعت ایران

صاحب امتیاز: بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیرمسئول: حسین صالح زاده  
سرمدبیر: محمد خلیج امیرحسینی